

نقش و جایگاه وراثت و ژنتیک (زیست شناسی جنایی) در ارتکاب جرم از منظر جرم شناسی نوین و آموزه های دینی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۱۰/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۳/۱۲)

کامل حمید^۱

پژوهشگر برگزیده سال ۱۳۹۸ کشور و دارنده تندیس پژوهشگر برتر از موسسه قانون یار

سید محمود موسوی

مریم داوران

آزاده ستوده

چکیده

«جرم‌شناسان»، درباره عواملی که از پیش در تشکیل شخصیت بزهکار تأثیر دارد، پس از مطالعات و تحقیقات گسترده نهایتاً به تأثیر دو دسته عوامل فردی یا درون‌زا و عوامل محیطی یا بیرون‌زا اعتقاد پیدا کردند. در عوامل فردی، عوامل وراثتی و روانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این عوامل، با توجه به تحقیقات و بررسی‌های صورت گرفته توسط جرم‌شناسان و دیگر دست‌اندرکاران علوم جنایی، به اثبات رسیده است که در ظهور پدیده مجرمانه نقش غیر قابل انکاری ایفاء خواهند کرد. جوامع انسانی، علاوه بر علم حقوق (جرم‌شناسی)، علل و دلایل ارتکاب جرم در جوامع مذهبی (مبتنی بر ادیان الهی مانند دین اسلام) را در موازات با آموزه های دینی پی گرفته است. یکی از مهم ترین این عوامل، عوامل زیستی یا همان زیست شناسی جنایی بوده که شامل وراثت و ژنتیک انسان می‌گردد. این خصایص با توجه به تحقیقات صورت گرفته جرم‌شناسان و البته به عنایت به آموزه های دینی (آیات قرآن، احادیث و



روایات)، همواره از جمله مهم ترین دلایل بروز رفتار مجرمانه در بزهکاران می باشد. در روزگارانی که بشر اطلاعات چندانی از زیست‌شناسی، علم ژنتیک، توارث، چگونگی پیدایش جنین و انتقال خصوصیات والدین به نسل جدید را نداشت معارف وحیانی و ربوبی اسلام با لسان آیات و روایات و تعابیر بسیار ساده و روان، اذهان اندیشمندان را به سوی موضوعات مهمی در این باره رهنمون ساخت. مذهب که ریشه در فطرت انسان دارد با توجه به تمام تقسیمات عوامل زیست‌شناسی، رهنمودهایی ارائه داده است که اولاً: جنبه پیشگیری دارد و ثانیاً: اگر کسی به هر دلیل، از وقوع جرم جلوگیری نکرد باید به روش‌های درمانی دین اسلام پناه ببرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



واژگان کلیدی: آموزه های دینی، زیست‌شناسی جنایی (وراثت و ژنتیک)، جرم‌شناسی، عوامل زیستی، بزهکاری

دنیای کنونی به سمت همگرایی علوم و دانش‌ها و بهره‌گیری از روش‌های نوین کشف نتیجه مورد نظر حرکت می‌کند و این همگرایی علوم در علوم انسانی بیشتر به شکل مطالعات میان رشته‌ای بروز و ظهور پیدا کرده است.^۱ این تغییر حرکت و جهت می‌تواند علل مختلفی داشته باشد که یکی از آن‌ها حاصل پیچیدگی‌های مسائل زندگی در دنیای کنونی است؛ البته نمونه‌ای از این نوع نگاه به دانش و شیوه‌های آموختن و بهره‌گیری از آن را می‌توان تا قرن نوزدهم مشاهده کرد، اما پس از آن با تخصصی شدن دانش‌ها و تأکید بر تخصص‌گرایی این نگاه برای مدتی از دنیای دانش کم‌رنگ شد.^۲ امروزه ملزومات دنیای مدرن اهمیت توجه به این‌گونه مطالعات میان رشته‌ای و نگاه به دانش و کاربردهایش را بیش از پیش روشن کرده است و سلطه مطلق رویکرد رشته‌ای (استفاده از مطالعات یک رشته و دانش خاص) را که مدتی بر آسمان دانش، تسلط داشت را کنار زده است.^۳ واضح است که تبیین یک پدیده از منظر علوم انسانی صرفاً با نگاهی تک‌بعدی و بدون توجه به پیچیدگی‌ها و عوامل زیربنایی و ریشه‌ای دخیل در شکل‌گیری و تکوین آن پدیده و عدم بهره‌گیری از دانش‌های مختلف و صرفاً ایستادن بر داده‌های یک دانش خاص در اغلب موارد ممکن نیست و نمی‌تواند چهره‌ی واقعی و کاملی از آن را روشن سازد.^۴ بنابراین، استفاده از



^۱ - قاسم‌زاده، مهدی؛ جعفری ولدانی، حامد؛ احمدی، مینا و مظاهری، امیر مسعود، (پاییز ۱۳۹۷)، تأثیر عوامل روان‌شناختی بر ارتکاب جرم و ضرورت توجه به آن در نظام‌های حقوقی و فرآیندهای قضایی (مطالعه و مقایسه زنان مجرم و سالم شهر اصفهان)، پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، فصلنامه علمی - پژوهشی، سال نهم، شماره سوم، ص ۷۱.

^۲ - همان.

^۳ - قاسمی، علی اصغر و امامی میبدی، راضیه، (پاییز ۱۳۹۴)، نقش و جایگاه مطالعات میان رشته‌ای در رشد و توسعه علوم انسانی در کشور، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره هفتم، شماره ۴، ص ۴.

^۴ - حمید، کامل؛ موسوی، سید محمود؛ داوردان، مریم و ستوده، آزاده، (۱۳۹۸)، نقش و جایگاه وراثت و ژنتیک (زیست‌شناسی جنایی) در ارتکاب جرم از منظر جرم‌شناسی نوین و آموزه‌های دینی، چاپ اول، اهواز، انتشارات علوم و فنون پزشکی، ص ۱۹.



مطالعات میان رشته‌ای در اغلب موارد امری ضروریست. از آنجا که مطالعات میان رشته‌ای بیش از یک شاخه از شاخه‌های به هم تنیده دانش را مورد بررسی قرار می‌دهد می‌تواند راهگشاتر از زمانی باشد که تحلیل‌ها و فهم ما بر مبنای یک گرایش و رشته خاص از دانش بنا شده است. در این میان، اگرچه دستگاه قضایی به قضاوت درباره یک جرم می‌پردازد، اما چاره‌ای جز آن ندارد که علاوه بر رفتار مجرمانه به فرد نیز توجه داشته باشد. روان‌شناسی جنایی به مطالعه علمی رفتار جنایی و فرآیندهای ذهنی که در ارتکاب جرم نقش دارند، می‌پردازد و توجه به مسائل روان‌شناختی مجرمین در حال افزایش است. بر همین مبنای، در فلسفه‌ای کلی و با لحاظ نكوهش ارتکاب جرم در تمام زمینه‌ها، همه مذاهب و ادیان الهی، انسان‌ها را به درستی، راستی و فلاح و رستگاری دنیوی و آخروی فراخوانده‌اند. به تعبیری، شاید بتوان گفت که علت انتخاب پیامبران الهی و انزال وحی و نیز دستورات دینی، نجات انسان‌ها از رذایل اخلاقی و منع آن‌ها از کارهای زشت و نامناسب و تشویق مردم به ایمان و نیکوکاری بوده است. در آموزه‌های اسلامی، درباره اینکه آیا اساساً عوامل زیستی و به طور خاص وراثت بر روی رفتارهای انسانی از جمله جرم، تأثیرگذار است یا خیر، آیات و روایات متعددی وجود دارد که نشان‌دهنده اهمیت این موضوع است. در حقیقت، در دین اسلام و آموزه‌های دینی، در کنار تأثیر عوامل روانی و اجتماعی، در بسیاری از روایات، بر نقش عوامل زیستی و قابلیت اثرگذاری آن‌ها، تأکید فراوان شده است که به عنوان مثال می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره نمود:

- رسول اکرم (ص) در کلامی موجز دیدگاه کلی اسلام را پیرامون وراثت را چنین بیان می‌کند: «بنگر که (نطفه) فرزندان را در چه جایی قرار می‌دهی، چرا که عرق (ژن) بسیار انتقال‌دهنده است».^۱

^۱ - «أنظر فی ای شیء تضع وادک فان العرق ساس». عبدالواحد بن محمد، بی‌تا: ص ۳۰۸.

- امام علی (ع) می‌فرمایند: «نیکویی اخلاق، دلیلی بر کرامت و نیکویی عرق‌های (ژن‌های) فرد است».^۱

- امام صادق (ع) می‌فرمایند: «با خانواده‌های عفیف و پاکیزه وصلت کنید، زیرا عرق (ژن) دخالت‌کننده و تأثیرگذار است».^۲

- در دیگر روایت از امام صادق (ع) آمده است: «از ازدواج با احمق بپرهیزید، زیرا همنشینی با احمق مایه اندوه و بلا و فرزندش نیز مهممل و بدبخت است».^۳

بخش اول: تاریخچه، تعریف و اقسام جرم‌شناسی

جرم‌شناسی از جمله موضوعات مهم علم حقوق در حوزه علوم جنایی می‌باشد که دارای قدمتی طولانی است. بدین‌سان رشته جدیدی به وجود آمد که موضوع آن مطالعه و تبیین جرم و علل وقوع آن با استفاده از روش علمی و تجربی بود، نه گفتگوی صرف درباره اعمال مجرمانه.^۴ در این مبحث، سیر تحولات تاریخی (تاریخچه)، مفهوم و گونه‌های آن به اختصار بررسی خواهد شد.

گفتار اول: دوره‌های تکوین جرم‌شناسی از ابتدا تا کنون

«جرم‌شناسی»، در اصطلاح عبارت است از مطالعه علمی جرم و مجرم برای شناخت علل ایجاد این دو و پیشگیری و درمان اعمال مجرمانه و مباشران این اعمال. در مورد تاریخ جرم‌شناسی و زمان به وجود آمدن آن مباحث زیادی مطرح گردیده و عده‌ای قایل شده‌اند که

^۱ - تیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶ ه.ق)، غررالحکم و دررالحکم (سخنان حضرت علی علیه‌السلام)، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۲۵۴.

^۲ - طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۲۰ ه.ق)، مکارم الاخلاق، الطبعة الاولى، تهران، نشر حبیب، ص ۳۰۷.

^۳ - فلسفی، محمدتقی، (۱۳۶۳)، الطفل بین الوراثة و التریبه، تعریب فاضل حسنی میلانی، جلد ۱، دارالتعارف للمطبوعات، ص ۷۹. به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، منبع پیشین.

^۴ - <http://wikifeqh.ir/> جرم_شناسی





نمی‌توان برای این علم تاریخ خاصی را در نظر گرفت و یا بنیان‌گذار خاصی را مطرح کرد.^۱ اما عده‌ای دیگر تاریخ آن را به سه دوره‌ی غیرعلمی، نیمه علمی و علمی تقسیم کرده‌اند، ایشان بر این باورند که جرم‌شناسی در قرن ۱۹ میلادی و توسط «لمبروزو»، تبدیل به یک علم مجزا شده است و نظریات پیش از وی در واقع فرضیاتی غیرعلمی و بدون تحقیق بوده است، وی با تحقیقات علمی و تجربی خود جرم‌شناسی را تبدیل به علم کرده است، به همین خاطر لمبروزو را پدر علم جرم‌شناسی نامیده‌اند.^۲ ما نیز به تبعیت از ایشان به همین روش به بررسی تاریخی در مورد این علم می‌پردازیم.

بند اول: دوره غیرعلمی

نام‌گذاری این دوره به این سبب نبوده است که در این دوره داده علمی وجود نداشته، بلکه علم جرم‌شناسی از علوم این دوره مستقیماً فایده‌ای نبرده است.^۳ در این دوران، بیشتر بر پدیده‌ی جرم تکیه شده است تا بر خود مجرم. تعاریفی هم که در این دوره از مجرم ارائه شده بر حسب جرم یا خطا مشخص می‌گردد. مطالعات انجام شده در این زمان بیشتر جنبه‌ی فلسفی و مذهبی داشته و یونانیان مدت زیادی عمل بزهکارانه را نتیجه‌ی یک نوع جبر سرنوشت می‌پنداشتند که گریز از آن اجتناب‌ناپذیر بود؛^۴ مثلاً بقراط، معتقد بود که خطا ناشی از

^۱ - به عنوان نمونه، گفته شده است این رشته علمی ابتدا، تحت تأثیر مطالعات لمبروزو در مسئله ارتباط ارتکاب جرم با خصوصیات جسمی بزهکاران، انسان‌شناسی جنایی نام گرفت. اصطلاح جرم‌شناسی را نخستین بار در سال ۱۸۷۹ میلادی / ۱۲۹۶ شمسی، دانشمند فرانسوی، «توپینار»، در کتاب خود به کار برد و در ۱۸۸۵ / ۱۳۰۲ «گارو فالو» کتاب جرم‌شناسی را نوشت. بنگرید به: صانعی، پرویز، (۱۳۷۶)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، صص ۶۷ الی ۷۲. پردال، ژان، (۱۳۷۳)، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، صص ۹۰ الی ۱۰۳. آنسل، مارک، (۱۳۶۶)، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش، ص ۱۹.

^۲ - همان، ص ۳۹.

^۳ - میثم مرادیان، (۲۴ آبان ۱۳۹۳)، تاریخ جرم‌شناسی، پایگاه علوم انسانی و اسلامی پژوه، به آدرس فضای مجازی ذیل:

http://pajoohe.ir/-history-of-criminology_a-۳۷۷۵

^۴ - نجفی توانا، علی، (۱۳۷۷)، جرم‌شناسی، چاپ اول، تهران، انتشارات خیام، ص ۵۹.

دیوانگی است و افلاطون فعل مجرمانه را بیماری روان و بزهدکار را بیمار می‌پنداشت.^۱ ادیان قدیمی و مسیحیت هم تحقق یزه را محصول غرایز انسانی‌ای که در مقابل عوامل اجتماعی قرار می‌گیرند می‌دانستند.^۲ از اندیشمندان این دوره که در این رابطه مطالبی را ذکر کرده‌اند می‌توان به «هراکلیت»، «پروتاگورا»، «سقراط» و «افلاطون» و «ارسطو» اشاره کرد.^۳ در ایران باستان به فقر هم به عنوان یکی از عوامل جرم نگاه می‌شد، در دین زرتشت جرائم ارتكابی اطفال و بزرگسالان با یک دید نگریسته نمی‌شد، همچنین اردشیر بابکان دستور داده بود زندانیان را تا مدت یک سال تحت تدابیر تربیتی قرار دهند تا اصلاح گردیده و به آغوش جامعه باز گردند.^۴

بند دوم: دوره نیمه علمی

از قرون وسطی و هم‌زمان با پیشرفت علمی غرب شاهد گسترش علوم تجربی هستیم، تحقیقات در این دوره بخصوص در زمینه‌ی انسان‌شناسی زمینه‌ساز تشکیل دانش جرم‌شناسی شد. شروع این دوره با ظهور «دلایرتا» است که نظریه توجیه به اندام‌های بدن و خصوصاً سر که بعد از وی مورد توجه قرار گرفت به او تعلق دارد. از دیگر افرادی که در این باره تحقیق کرده‌اند می‌توان به «ژان گاسپارالا واتر» سوئیس، دکتر «گال» طبیب مشهور وین که نظریه جمع‌شناسی را ارائه کرد، «فلیکس ویزن» ولوردین اشاره کرد. در همین رابطه، رشد علم پزشکی و الهام از نظریه فیلسوفان یونان باستان باعث به وجود آمدن نظریه جنون اخلاقی توسط «فیلپ پینل» شد که طبق آن بجای مجازات افراد مجرم باید ایشان را معالجه کرد ولی «بندیکت مورل» با بیان مفهوم انحطاط و تباهی معتقد شد که گر چه محیط و خود فرد هم در ایجاد جرم

^۱ - نوربها، رضا، منبع پیشین، ص ۴۰.

^۲ - نجفی توانا، علی، منبع پیشین، ص ۶۰.

^۳ - همان.

^۴ - همان.





تأثیر دارند ولی مجرم با شخص مجنون فرق دارد، زیرا مجرمین قدرت انتخاب دارند.^۱ همچنین، در این دوره تجربیات قضایی و پلیسی نیز شکل علمی به خود گرفت و اشخاصی مثل «پیتاوال» که یک وکیل دادگستری در فرانسه بود، «فورباخ»، «هیتزیک»، «هرمیک»، «یاگمن» و «اوللمان»، کتاب‌هایی را در مورد دعاوی و مجرمین حرفه‌ای منتشر کردند.^۲ متفکران دیگری نیز در زمینه کیفرشناسی و امر اداره‌ی زندان تحقیقاتی را انجام دادند که باعث ایجاد علم اداره‌ی زندان شد که می‌توان در این میان به افرادی چون «جان هوارد» در انگلستان، «فرانکلین» در آمریکا، «واکنیس» و «فون آنریم» در آلمان اشاره کرد که این اقدامات باعث برپایی اولین کنگره‌ی بین‌المللی مربوط به امور زندان‌ها در فرانکفورت شد.^۳ اما تحول بزرگی که در این دوره اتفاق افتاد نظریه‌ی تغییر و تبدیل «لامارک» و نظریه تکامل «داروین» است که باعث شد تا افرادی نظیر تامسون قایل به وراثت جرم شوند. این دوره هم زمان با به وجود آمدن بعضی مکاتب مثل مکتب مارکسیسم بود که می‌گفتند ریشه‌ی تمام جرم‌ها در تضاد طبقاتی اقتصادی است و جرم حقیقی جرمی است که سرمایه‌دار انجام می‌دهد و بزهدار در واقع واکنشی را در برابر این جرم انجام داده است.^۴ عده‌ای دیگر نیز مثل «کنله» جرم را از منظر دیگری بررسی کردند و قایل شدند که جرم همیشه به نحو ثابتی وجود دارد و بعضی عوامل مثل گرما و سرما بر نوع جرم‌ها تأثیر می‌گذارند. همچنین، برخی از عوامل مثل جنگ‌ها باعث زیاد شدن جرم می‌شوند و بعد از برطرف شدن این عوامل جرم به حالت عادی برمی‌گردد و در همین مسیر گری قانون حرارتی بزهدار را تدوین می‌نماید.^۵ با توجه به تفکرات انقلابیون فرانسه ۱۷۸۹ و

^۱ - کیت سوتیل، میرا و پیلو ککر، تیلور، (۱۳۸۳)، شناخت جرم‌شناسی، ترجمه میرروح الله صدیق، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، ص ۳۷.

^۲ - علومی، رضا، (۱۳۴۹)، جرم‌شناسی، چاپ اول، تهران، انتشارات اقبال، ص ۲۱.

^۳ - همان، ص ۲۳.

^۴ - نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، (۱۳۷۷)، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ص ۲۱۵.

^۵ - نوربها، رضا، منبع پیشین، ص ۵۱.

قوانین کیفی ناپلئون اصول «فایده‌گرایی و سزادهی» به میدان آمد^۱ که منجر به ایجاد نظریه کلاسیک شد، افکار نظریه کلاسیک پس از مدتی شروع به ملایم شدن نمود که نشانه‌ی آن بازبینی در قانون جزا در سال ۱۸۳۲ می‌باشد که بعدها تحت عنوان اندیشه نئوکلاسیک ظهور کرد.^۲

بند سوم: دوره علمی

در حقیقت، زمان واقعی به وجود آمدن علم جرم‌شناسی از این مرحله شروع می‌شود، در این دوره تئوری‌های جدیدی رخ‌نمایی کردند که توجه واقعی بشر را به پدیده‌ی بزهکاری جلب کرد، این دوره شاهد پدید آمدن چندین مکتب است. مکاتب حاصل از این دوره را به شکل مختصر در ذیل بررسی خواهیم نمود:

الف: مکتب زیست‌شناسی

مجادلات علمی که در دوره‌های پیش به وجود آمده بود به ناگاه با چاپ کتاب «انسان بزهکار» لمبروزو دچار وقفه شد.^۳ «لمبروزو» تحت تأثیر نظریه‌های تکامل و وراثت تحقیقات منظمی را در مورد انسان‌شناسی کیفی در مورد بزهکاران انجام داد.^۴ هر چند قبل از وی نیز برخی از محققان و پزشکان دیگر نظیر «لووگ» در فرانسه، «تیچلس» و «تامسون» در انگلیس، «شوکندیگ» و «بندیکتا» در آلمان و غیره، در این رابطه تحقیقاتی را انجام داده بودند ولی این نظرات در مقایسه با نظرات لمبروزو از نظم و استحکام کمتری برخوردار بودند. کتاب وی چندین بار تجدید چاپ شد و بعد از آن آثار دیگری از وی به چاپ رسید که در انتشار آن‌ها فرو با وی همکاری داشت. لمبروزو برای «جانی بالفطره»، علائمی را شمارش می‌کند که

^۱ - ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، منبع پیشین، ص ۲۹۱.

^۲ - کیت سوتیل، میرا و پیلو کلا، تیلور، منبع پیشین، ص ۳۶.

^۳ - به نقل از: میثم مرادیان، منبع پیشین.

^۴ - ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، منبع پیشین، ص ۲۰۸.



می‌تواند جسمی یا روحی باشد و اظهار می‌دارد که اگر این افراد در شرایط مساوی با دیگران قرار بگیرند ارتکاب جرم توسط ایشان حتمی است و باید در مورد ایشان اقدامات تأمینی شدیدی در نظر گرفت.^۱ سپس باقی بزهکاران را به مجریان اتفاقی، عاطفی و غیره تقسیم می‌کند.

ب: مکتب جامعه‌شناسی

به علت رقابت شدید بین جرم‌شناسان فرانسوی و ایتالیایی، عده‌ای از اثبات‌گرایان فرانسوی که به جای عوامل زیستی بیشتر بر عوامل اجتماعی تأکید می‌کردند در برابر افکار لمبروزو موضع‌گیری کردند.^۲ هم‌زمان با انتشار کتاب لمبروزو، «لاکاسانی» اندیشمند فرانسوی نتیجه‌ی بررسی‌های خود را درباره‌ی جنبه‌های اجتماعی بزهکاری منتشر کرد. تفکرات وی تا حدی شبیه تفکرات مارکسیست‌ها بود.^۳ این تفکرات بر روی افرادی نظیر «گارو فالو» و «انریکو فری» که از شاگردان لمبروزو بودند تأثیر فراوانی گذاشت و ایشان نکات جامعه‌شناسی را با نظریه‌های لمبروزو در هم آمیختند و انریکو فری آن‌ها را در چاپ جدید کتاب افق‌های نوین حقوق منتشر نمود و مکتب انسان‌شناسی کیفری را به نام مکتب اثباتی و تحقیقی معرفی نمود. در این مکتب، برای انسان دو ویژگی ظرفیت جنایی و میزان سازگاری اجتماعی ذکر شده که مجرمین با توجه به آن‌ها به جنایتکار روانی، جانی بالفطره، جانی به عادت و جانی اتفاقی تقسیم می‌شوند.^۴ یکی از قوانین مشهوری که در این مکتب وجود دارد قانون اشباع و فوق اشباع بزهکاری است که قبلاً توسط «کتله» هم مطرح شده بود و بیان می‌کند که میزان بزهکاری در هر محیطی ثابت است و ممکن است که با عواملی مثل جنگ و غیره مدت محدودی افزایش



^۱ - علومی، رضا، منبع پیشین، ص ۲۵.

^۲ - کیت سوتیل، مویرا و پیلو کلا، تیلو، منبع پیشین، ص ۳۹.

^۳ - میثم مرادیان، منبع پیشین.

^۴ - علومی، رضا، منبع پیشین، ص ۶۸.

پیدا کند.^۱ این مکتب، پس از سال‌ها توجه‌ها را از روی جرم به مجرم معطوف کرد و بیان کرد که مجازات باید اصلاح‌مدار باشد. از دیگر متفکران این دوره می‌توان به «ساترلند سلن»، «دورکیم» (مبتکر تئوری تضاد فرهنگی) و «فون لیست» اشاره کرد که تأکید فراوانی بر روی عوامل اجتماعی و تضاد فرهنگی داشته‌اند.^۲

پ: مکتب روان‌شناسی

این مکتب بر خلل‌های روانی به ویژه بیماری‌های روانی شدید که به روان‌پریشی موسومند و همچنین مرض صرع تکیه می‌کند ولی بیشترین اهمیت را برای اغتشاشات هیجانی و دیگر اشکال «پسیکوپاتی» (روان‌آزاری) قایل است، پیروان این مکتب دو گروه می‌باشند که گروهی مدعی علت تامه بودن علل روانی هستند و در مقابل عده‌ای دیگر علاوه بر علل روانی به عوامل اجتماعی نیز توجه می‌کند.^۳ امروزه، هر چند پیروان هر مکتب علل عمده‌ی ایجاد جرم را در مکتب خود بررسی می‌کنند. اما نمی‌توان اثر هیچ‌کدام از عوامل را در بزهکاری نادیده انگاشت به همین دلیل امروزه توجه به تأثیری که مکاتب مختلف بر جرم‌شناسی و سایر علوم جزایی دارند باعث همکاری دانشمندان این مکاتب با یکدیگر گردیده.^۴ بعد از برپایی کنگره‌های متعددی که از سال ۱۸۸۵ تشکیل شد اولین انجمن جهانی جرم‌شناسی در سال ۱۹۳۴ به تدبیر «دی‌تولیو» تشکیل گردید. انتشار کتب فراوان و تدریس اجباری این علم در دانشگاه‌های حقوق از دیگر نتایج تفهیم اهمیت این رشته می‌باشد.

گفتار دوم: تعریف و اقسام جرم‌شناسی در حقوق کیفری

بند اول: تعریف جرم‌شناسی

^۱ - نوربها، رضا، منبع پیشین، ص ۵۵.

^۲ - به نقل از: میثم مرادیان، منبع پیشین.

^۳ - نوربها، رضا، منبع پیشین، ص ۵۵.

^۴ - بنگرید به: میثم مرادیان، منبع پیشین.





تعاریف متفاوتی از جرم‌شناسی شده است. به عنوان نمونه، گفته شده است: «جرم‌شناسی، شاخه‌ای از علوم جنایی که با روش علمی و عینی به تحلیل علل و عوامل زیستی، روانی و اجتماعی پیدایش جرم، به هدف پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح و درمان بزهکاران، می‌پردازد».^۱ در جای دیگر، در تعریف جرم‌شناسی آمده است: «جرم‌شناسی، شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که در آن، طبیعت، وسعت، علت و کنترل رفتار مجرمانه در فرد و جامعه، نهادهای کنترل‌کننده و سازمان‌های اصلاح‌کننده مورد بحث قرار می‌گیرند».^۲ «جرم‌شناسی» یک علم میان‌رشته‌ای در علوم رفتاری است و به خصوص توسط مطالعات جامعه‌شناسی (به خصوص جامعه‌شناسی انحرافی)، مردم‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی و همچنین نوشتارهایی در حقوق تأمین می‌شود. جرم‌شناسی اما تعریف ساده و جدیدی که ساترلند (جرم‌شناس بنام) از جرم‌شناسی ارائه داده است، به نظر می‌رسد جامع‌ترین تعریف از جرم‌شناسی باشد؛ بر اساس این تعریف جرم‌شناسی عبارت است از: «مطالعه عوامل بزهکاری».^۳ به طور کلی، مباحث جرم‌شناسی حول محور بزه، بزهکار و بزهکاری، می‌چرخد. از این رو، جرم‌شناسی برای مطالعه بزهکاری از علوم مختلفی ترکیب یافته است. بدیهی است که جرم‌شناسی به عنوان یک علم ترکیبی در جهت وصول به این آرمان از نتایج مطالعات و دستاوردهای این دانش‌ها حداکثر استفاده را می‌نماید.^۴

بند دوم: اقسام جرم‌شناسی

در صورتی که بخواهیم به اعتبار علوم مختلفی که اجزای جرم‌شناسی را تشکیل می‌دهند و در ضمن خود علمی مستقل هستند، علم جرم‌شناسی را تقسیم‌نمائیم، باید آن را به علومی چون

^۱ - دانشنامه حوزوی ویکی‌فقه، به آدرس فضای مجازی ذیل:

<http://wikifeqh.ir/> جرم‌شناسی

^۲ - کتاب روان‌شناسی جنایی، ص ۱۳۶.

^۳ - نجفی توانا، علی، (۱۳۷۷)، جرم‌شناسی، چاپ اول، تهران، انتشارات خیام، ص ۲۲.

^۴ - همان.

جامعه‌شناسی کیفری، زیست‌شناسی کیفری و روان‌شناسی کیفری تقسیم نماییم.^۱ البته جرم‌شناسی علاوه بر تقسیمات مذکور، به تبعیت از حقوق کیفری، به سه رشته تقسیم شده است: ۱- جرم‌شناسی عمومی یا ترکیبی؛ ۲- جرم‌شناسی اختصاصی؛ ۳- جرم‌شناسی بالینی.^۲ البته «هانری لوی برول»، پس از تقسیم جرم‌شناسی به نظری و کاربردی، جرم‌شناسی عمومی و اختصاصی را زیرمجموعه جرم‌شناسی نظری و جرم‌شناسی بالینی و جرم‌شناسی پیشگیرانه و جرم‌شناسی انتقادی یا حقوقی را به عنوان زیرمجموعه جرم‌شناسی کاربردی ذکر کرده است.^۳ به اختصار به بررسی اقسام جرم‌شناسی می‌پردازیم.

الف: جرم‌شناسی نظری

۱- جرم‌شناسی عمومی

«جرم‌شناسی عمومی»، علمی است که با استفاده از مطالعات علوم دیگر سعی در بررسی پدیده‌ی بزهکاری و شناخت علت وقوع آن، مطالعه محیط زندگی بزهکار و شرایط روحی و روانی و گذشته و حال و کمبودها و احساسات وی را داشته، ضمن ارائه طرق معالجه و درمان بزهکار، به ارائه برنامه‌هایی در جهت پیشگیری بزهکاری و از بین بردن زمینه‌های جرم‌زا می‌پردازد. بدین ترتیب، رسالت مبارزه با فساد و انحراف و ناسازگاری با پیشنهاد برنامه‌های

^۱ - بنگرید به: محمدحسین طارمی، (۲۴ آبان ۱۳۹۳)، اقسام جرم‌شناسی، وبسایت پژوهشکده باقرالعلوم (علیه‌السلام)، به آدرس فضای مجازی ذیل:

http://pajoohe.ir/-parts-of-criminology__a- اقسام جرم‌شناسی - ۳۷۲۹۰

^۲ - نجفی توانا، علی، منبع پیشین، ص ۷۲. همچنین، بنگرید به: تاج زمان، دانش، (۱۳۷۹)، مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟، چاپ هشتم، تهران، انتشارات کیهان، ص ۴۶؛ نوربها، رضا، (۱۳۸۰)، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ص ۷۸ و مظلومان، رضا، (۲۵۳۶ شاهنشاهی)، جرم‌شناسی (کلیات)، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۲۲. به نقل از: محمدحسین طارمی، منبع پیشین.

^۳ - موسوی مجاب، سید درید، (۱۳۸۸)، جزوه درسی جامعه‌شناسی کیفری، قم، مرکز تخصصی حقوق و قضای اسلامی، ص ۵.



سالم‌سازی، ایجاد عدالت، تقویت جنبه‌های فرهنگی و بهداشتی را بدوش می‌کشد. با این آرمان که روزی آفات اجتماعی از بین رفته و یا لاقلاً تضعیف گردد.^۱

۲- جرم‌شناسی اختصاصی

علمی که برای بررسی علل ارتکاب جرائم و بروز حالت خطرناک، پایه و اساس جرم‌شناسی را پی‌ریزی نموده و رشته‌های خاصی را در جرم‌شناسی به وجود آورده‌اند؛ «جرم‌شناسی اختصاصی» نامیده می‌شود.^۲ از علمی که در شناخت شخصیت و روان، محیط زندگی و ویژگی جسمی بزهکار به جرم‌شناسی بهره می‌رسانند؛ سه علم زیست‌شناسی کیفری، روان‌شناسی کیفری و جامعه‌شناسی کیفری را باید نام برد. این علوم در مقام مطالعه پدیده بزهکاری و بزهکار به عنوان جرم‌شناسی نام‌گذاری شده‌اند. اشاره‌ی مختصری به این علوم ضروری است.^۳

۲-۱- جرم‌شناسی زیستی (زیست‌شناسی کیفری)

این علم جنبه‌ها و اثرات توارث بر شخص بزهکار را مطالعه می‌نماید. این رشته در عمل تحقیقات خود را به جنبه‌های تشریحی، فیزیولوژی، تشخیص بیماری، بیوشیمی شخص بزهکار توسعه می‌دهد. این علم به علت این که توسط لمبروزو و در ایتالیا رونق فراوانی یافت، همیشه در این کشور مورد توجه بوده است. امروزه در اکثر کشورهای اروپایی و بالخصوص در آلمان و اتریش، مطالعات فراوانی در زمینه خصوصیات فردی، جنس، سن، بیماری، زندگی عاطفی و به طور کلی ویژگی‌های جسمی و حتی اثرات محیطی بر روی بزهکار انجام گرفته است. از



^۱- نجفی توانا، علی، منبع پیشین، ص ۷۳.

^۲- تاج زمان، دانش، منبع پیشین، ص ۴۷.

^۳- گسن، ریموند، (۱۳۷۰)، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه مهدی کی‌نیا، چاپ اول، تهران، نشر مترجم، ص ۲۷.

معروف‌ترین دانشمندانی که در این زمینه تحقیقات ارزشمندی انجام داده است، «اکسندر» آلمانی صاحب کتاب زیست‌شناسی کیفری است.^۱

۲-۲- جرم‌شناسی روانی (روان‌شناسی و روان‌پزشکی کیفری)

این رشته به مطالعه علل اعمال ناخودآگاه و تظاهر آن‌ها و شناسایی وجدان آگاه و ناخودآگاه و بالاخره با در نظر گرفتن جنبه‌های روانی بزهکار برای تشخیص بیماری و رفتار بزهکارانه، به بررسی واکنش‌های بزهکار می‌پردازد تا به کشف واقعیت جنایی و علت جرم نائل آید.^۲ این علم بیشتر به مدد روانکاوی و روان‌پزشکی و با استفاده از وسیله تست، به علل رفتارهای جنائی و یا ناسازگاری افراد توجه و سعی در شناخت انگیزه‌های روانی این ناهنجاری‌ها دارد. از متفکران نامدار این رشته «گملی» استاد دانشگاه کاتولیک میلان است.^۳

۳-۲- جرم‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی کیفری)

با توجه به کمک فراوان جامعه‌شناسی، به ویژه استفاده از روش‌های تحقیق آن در جرم‌شناسی و اثر فوق‌العاده عوامل اجتماعی در بزهکاری، وابستگی شدیدی بین جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی به وجود آمده است.^۴ امروزه علم خاصی به نام جامعه‌شناسی کیفری که محور بررسی‌های آن بر ویژگی‌های محیط و اثرات آن بر شخصیت افراد ناسازگار و بزهکار متمرکز می‌باشد، به وجود آمده است. جرم‌شناسی کیفری، ضمن بهره‌گیری کامل از جامعه‌شناسی کیفری، به مطالعه کامل پدیده جرم، علل محیطی، آمارهای کیفری و تمام مسائل مربوط به بزه و بزهکار از جنبه‌های مختلف جرم‌شناسی می‌پردازد.^۵

^۱ - همان.

^۲ - مظلومان، رضا، منبع پیشین، ص ۱۲۴.

^۳ - همان.

^۴ - حمید، کامل و دیگران، منبع پیشین، ص ۵۴.

^۵ - موسوی مجاب، سید درید، منبع پیشین، همان صفحه.



ب: جرم‌شناسی کاربردی

از دیگر اقسام جرم‌شناسی، «جرم‌شناسی کاربردی» خواهد بود که خود بر گونه‌های مختلفی تقسیم می‌گردد. پیش از پرداختن به انواع جرم‌شناسی کاربردی، باید گفت این جرم‌شناسی، از شاخه‌های جرم‌شناسی است که می‌کوشد تا با استفاده از یافته‌های جرم‌شناسی نظری، پاسخ‌هایی را برای حل مشکل جرم و کاهش نرخ بزهکاری ارائه دهد. به طور کلی، جرم‌شناسی کاربردی، شاخه‌ای از جرم‌شناسی است که موضوع آن بررسی مؤثرترین وسایل علمی مبارزه علیه بزه‌کاری است.^۱ تاریخ جرم‌شناسی کاربردی با تاریخ جرم‌شناسی درآمیخته است. از اوان جرم‌شناسی، پایه‌گذاران آن «لومبروزو»، «فری» و «گارو فالو»، جرم‌شناسی را به مثابه علمی کاربردی می‌پنداشتند، زیرا در آثارشان انتقادهایی نسبت به نهادهای کیفری موجود در آن عصر و پیشنهادهایی مطرح شده بود. به تدریج در اواخر سده نوزدهم، شاخه دیگری از جرم‌شناسی کاربردی با عنوان جرم‌شناسی بالینی توسط گاروفالو، از روان‌پزشکی الهام گرفته شد و وارد مطالعات علمی جرم و مجرم شد. این رشته تا به آن حد توسعه یافت که برخی از جرم‌شناسان مانند «ژان پیناتل» آن را تنها شاخه جرم‌شناسی کاربردی می‌دانستند. در نهایت، از دهه ۱۹۵۰ میلادی به تدریج شاخه سوم جرم‌شناسی کاربردی به وجود آمد که مطالعات و راه-کارهای پیشگیرانه از جرم (مبارزه با علل اجتماعی-شخصی و علل وضعی-فنی بزهکاری) را مورد بررسی قرار می‌دهد.^۲ برخی از صاحب‌نظران به جای جرم‌شناسی کاربردی، از جرم‌شناسی قابل‌اجرا سخن به میان آورده‌اند و آن را مجموعه تلاش‌های ممکن در جرم‌شناسی تلقی نموده‌اند. این جرم‌شناسی، نتایج حاصل از شناخت‌های علمی درباره عمل جنایی را که از دستاوردهای جرم‌شناسی نظری است، در سیاست‌گذاری مربوط به مبارزه با بزه‌کاری به کار می‌برد. در واقع، یافته‌ها و تعلیماتی را که از مشاهده و مطالعات میدانی و آمار جنایی به دست



۱- گسن، ریموند، (۱۳۷۰)، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کینیا، چاپ اول، تهران، نشر مترجم، ص ۱.

۲- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۸)، کیفرشناسی نو - جرم‌شناسی نو: درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار، تازه‌های علوم جنایی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، صص ۷۵۰-۷۱۷.

می‌آید، به نظام کیفری و جامعه عرضه می‌کند و از طریق بازپروری بزهکاران، پیشگیری و نیز اصلاح قوانین و مقررات کیفری، به مبارزه با بزهکاری می‌پردازد.^۱

۱- جرم‌شناسی بالینی

«جرم‌شناسی بالینی»، دانشی علمی- ترکیبی است که با استفاده از نتایج مطالعات علوم جرم‌شناسی عمومی و اختصاصی به بررسی فرد و ویژگی‌های او پرداخته با آگاهی از درجه خطرناک بودن و قدرت سازگاری و هماهنگ کردن وی با ضوابط و معیارهای اجتماعی به ارائه درمان‌های ضروری پرداخته و هدف دور کردن بزهکار از تکرار جرم را پیگیری می‌نماید؛ به عبارت دیگر، یکی از اهم وظایف یا محور فعالیت علم جرم‌شناسی بالینی را باید در تعیین و ارائه طرق معالجه بزهکاران بر مبنای ویژگی‌های روانی و روحی و درجه‌ی ابتلای آنان به بیماری بزهکاری و دیگر معیارهای اجتماعی دانست. گذشته از مطالعه بزهکار و ارائه روش‌های درمانی به منظور جلوگیری از تکرار جرم، جرم‌شناسی بالینی به بررسی طرق پیشگیری از جرم و مراقبت و نگهداری مجرمین نیز اهتمام می‌ورزد.^۲ در حقیقت، جرم‌شناسی بالینی دارای دو مفهوم موسّع و مفهوم مضیق است. در مفهوم موسّع آن، به مطالعه پدیده فردی در مقابل بزهکاری با کمک جرم‌شناسی اجتماعی می‌پردازد. از این لحاظ این علم قسمتی از جرم‌شناسی نظری است. اما در مفهوم موسّع، این علم به مطالعه چند شاخه‌ای حالت فردی شخص مجرم می‌پردازد تا بتوان از جرائم آینده پیشگیری کرد. از این لحاظ، این علم شاخه‌ای از جرم‌شناسی کاربردی است.^۳

۲- جرم‌شناسی پیشگیری

^۱- ابراهیمی، شهرام، (۱۳۹۱)، جرم‌شناسی پیشگیری، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ص ۱۱.

^۲- بنگرید به: محمدحسین طارمی، منبع پیشین.

^۳- نوربها، رضا، منبع پیشین، ص ۸۰.





«جرم‌شناسی پیشگیرانه»، ناظر بر اقدامات کنشی (پیشینی) قبل از وقوع جرم و یا حتی اقدامات واکنشی (پسینی) بعد از بروز رفتار مجرمانه، از سوی کارگزاران سیاست جنایی در دو سطح ملی و فراملی است. اقدامات مزبور، اصولاً فاقد وصف کیفی هستند. بر این اساس، گاه پیشگیری از جرم مبتنی بر ضرورت ایجاد تغییر و تعدیل شخصیت بزهکار و شرایط اجتماعی است که به «پیشگیری اجتماعی» شهرت یافته است. گاه، پیشگیری از وقوع یا تکرار پدیده‌ی مجرمانه (اعم از جرم و انحراف) مستلزم دخل و تصرف و ایجاد تغییر در یک محیط یا وضعیت ویژه است. این قسم از اقدام را «پیشگیری وضعی» گفته‌اند. گونه‌ای از پیشگیری نیز پیشگیری زودرس یا رشد مدار است که مبین مداخله در دوره‌های مختلف رشد اطفال نوجوانان بزهکار، منحرف یا در معرض بزهکاری به منظور پیشگیری از وقوع یا مزمن شدن بزهکاری در آینده و در دوران بزرگ‌سالی می‌باشد. اما گاه پیشگیری (از نظر پزشکی) به سه قسم تقسیم می‌شود: پیشگیری اولیه، پیشگیری ثانویه، پیشگیری ثالث.^۱

۳- جرم‌شناسی انتقادی (حقوقی)

این جرم‌شناسی به انتقاد از قوانین و مقررات موضوعه پرداخته خواستار تغییر در قوانین بر اساس مؤلفه‌های جرم‌شناسی است. این جرم‌شناسی، همواره به انتقاد از نظام حقوقی می‌پردازد.^۲ در واقعیت، جرم‌شناسی انتقادی با اثرپذیری آشکار از جرم‌شناسی مارکسیستی به نظام سرمایه‌داری به عنوان عامل ضد حقوق بشر نگاه می‌کند. این نظریه از فلسفه لیبرالی در مورد شرکت همه مردم صرف نظر از نژاد، قومیت، جنسیت و طبقات در اداره جامعه حمایت می‌کند. جرم‌شناسی انتقادی حامی حقوق حیوانات و مدافع محیط زیست می‌باشد.^۳ به هر حال، موضوع اصلی این نظریه یکی از موارد نابرابری ساختاری به مثابه عامل مولد جرم و بزه دیدگی است. در تعیین مصادیق و نابرابری هیچ محدودیتی وجود ندارد. چنان که ملاحظه شد هر آنچه به علت اعمال روش‌های ظالمانه آسیب‌پذیر باشد خواه انسان، مرد، زن، حیوان، محیط، سیاه،

^۱ - همان.

^۲ - موسوی مجاب، سید درید، منبع پیشین، به نقل از: محمدحسین طارمی، منبع پیشین.

^۳ - حمید، کامل و دیگران، منبع پیشین، ص ۵۹.

سفید، بومی و مهاجر باید مورد حمایت قرار گیرد و با عامل بی‌عدالتی برخورد و با اقدامات مقتضی عدالت را احیاء نمود.^۱

بخش دوم: رابطه زیست‌شناسی دینی و جرم‌شناسی نوین

در ارتباط میان «زیست‌شناسی جنایی» و «جرم‌شناسی نوین» و همچنین، تعامل میان این دو یا آموزه‌های دینی، ناگزیر باید مفاهیمی را تبیین نمود. تبیین این مفاهیم را در مطالب ذیل این مبحث پی خواهیم گرفت.

گفتار اول: ژن

«ژن»، واحد اطلاعاتی توارثی است که بر روی کروموزوم‌ها قرار دارد. «کروموزوم» نیز ساختاری است که در داخل یافته‌ها وجود دارد و حاوی ماده ژنتیکی آن است. ماده ژنتیکی، یک مولکول دِ اُکسی‌ریبوند کلیئک اسید (دی. ان. ای) است. هر کروموزوم حاوی یک مولکول دی. ان. ای. همراه چندین نوع پروتئین است.^۲ در مطالب ذیل این گفتار، ضمن بررسی مفهومی «ژن»، به نحوه عملکرد آن (تأثیرگذاری بر ژنتیک انسان) و پیشینه آن در متون روایی (قرآن و احادیث) خواهیم پرداخت.

بند اول: تعریف و تاریخچه کشف ژن

«ژن»، کوچک‌ترین واحد شیمیایی اطلاعات ارثی است که به تعداد بی‌شمار، درون میلیاردها سلول تشکیل‌دهنده بدن وجود دارد. چنین تخمین زده می‌شود که در ۲۳ جفت کروموزوم هسته سلول انسانی، بیش از صد هزار ژن اصلی و شاید بیش از این مقدار ژن غیر اصلی وجود

^۱ - جهت کسب اطلاع بیشتر در خصوص «جرم‌شناسی انتقادی»، رجوع کنید به: وبلاگ حقوقی ذیل:

<http://lawmarvdasht.blogfa.com/post/>

^۲ - Reid, R. J, Hughey J, Peterson NA, (2003), Generalizing the alcohol outlet-assaultive violence link: Evidence from a US midwestern city, Substance Use & Misuse, p. 88.





داشته باشد.^۱ این واژه برای اولین بار توسط «ویلهلم یوهانس» در سال ۱۹۰۹ به کار رفت. ژن‌ها دارای ویژگی‌های مشترکی هستند: اول آن‌که: همگی آن‌ها به صورت جفت وجود دارند؛ ژن پدری بر روی یک کروموزوم و ژن مادری بر روی کروموزوم همتای آن جای دارد. دوم آن‌که: در صورت فقدان عوامل آسیب‌زا ژن‌ها می‌توانند میلیون‌ها سال و شاید میلیاردها سال با همان ویژگی‌های اولیه باقی بمانند.

بند دوم: نحوه عملکرد ژن (ژنتیک انسان)

از ویژگی‌های ژن‌ها انتقال صفات والدین به فرزندان است. علاوه بر این، ژن‌ها همه اعمال سلول را کنترل می‌کنند. ژن‌ها که در هسته سلول قرار گرفته‌اند، همانند ستاد فرماندهی سلول عمل کرده و همه اعمال درونی و برونی سلول، پیرو فرمان‌های صادر شده از سوی آن‌ها است که یکی از مهم‌ترین این اعمال سلولی، عمل تولید و انتقال ساختار و صفات والدین به فرزندان می‌باشد.^۲ در عصر حاضر با مطالعات فراوانی که بر روی ژن‌ها و عملکرد آن‌ها صورت گرفته است، رشته‌ای به نام مهندسی ژنتیک تأسیس گردیده که به مطالعه مسائل گوناگون و تحقیق در این زمینه می‌پردازد. ژنتیک پزشکی با به کارگیری دانش و فن‌آوری روز به جنبه‌های کلینیکی و اپیدمیولوژیک موارد ارثی می‌پردازد و در صدد است تا با کشف عوامل مختلف ژن‌های مؤثر در بیماری و رفتار انسان، به بهینه‌سازی و پیشگیری یا کاهش آسیب‌های ناشی از آن پردازد.^۳

بند سوم: ژن در دین مبین اسلام (اثبات ژنتیک در متون روایی)

^۱ - نورمحمدی، غلام‌رضا، (۱۳۸۴)، شبیه‌سازی انسان، چاپ اول، قم، انتشارات معارف، ص ۱۹.

^۲ - حمید، کامل و دیگران، منبع پیشین، ص ۵۹.

^۳ - جعفریان، علی و همکاران، (بی‌تا)، پزشک و ملاحظات اخلاقی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات برای فردا، ص ۱۲۸.

اگرچه کشف ژن و برخی از عملکردهای آن در عصر حاضر اتفاق افتاده است، اما در منابع دینی، مطالب مختلفی درباره این حقیقت و انتقال صفات والدین و اجداد به انسان مطرح شده است که می‌تواند بر این حقیقت منطبق شود.

همان‌طور که پیش از این گذشت، ژن‌ها می‌توانند درحالی‌که صفات اولیه را در خود نهفته دارند میلیاردها سال زندگی کنند. در همین زمینه، عن ابی‌عبدالله (علیه‌السلام) قال: سئل عن الميت یبلی جسده؟ قال نعم حتی لا یبقی لحم و لا عظم الاطینته الی خلق منها، فأنها لا تبلی، تبقى فی القبر مستدیره حتی یخلق منها کما خلق اول مره^۱.

از امام صادق (علیه‌السلام) درباره میت چنین پرسیده شد که آیا جسد میت می‌پوسد. حضرت فرمود: بله به گونه‌ای که گوشت و استخوانی برایش باقی نمی‌ماند، مگر سرشتی که از آن آفریده شده است، زیرا آن نمی‌پوسد، در قبر باقی می‌ماند و در حال تحول است تا دوباره فرد از آن آفریده شود، همان‌طور که اولین باره آفریده شده بود. «علامه مجلسی»، در توضیح این روایت می‌گوید: آن هسته مرکزی دارای تحول و تغییر می‌گردد ولی در همه احوال محفوظ باقی می‌ماند و این روایت اثبات می‌کند که تشخص انسان به واسطه اجزای اصلی او است و دیگر اجزا و عوارض دخالتی در آن ندارند.^۲ بر این اساس، چنانچه ژن را تشکیل‌دهنده هسته مرکزی انسان و دارای قدرت بقاء برای سال‌های متمادی بدانیم، این روایت منطبق بر آن می‌شود، زیرا نهاد اولیه ژن را دارای فرآیند زوال نمی‌داند.^۳

بند چهارم: ژنتیک از منظر زیست‌شناسی

^۱ - مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ه. ق.)، بحارالانوار، جلد ۷، بیروت، نشر مؤسسه الوفاء، ص ۴۳.

^۲ - در روایات اسلامی مسئله ژن و ژنتیک مورد بررسی قرار گرفته است. البته در کلام معصومین، الفاظ علوم امروزی به کار نرفته است، اما توصیه‌هایی را به پیروان خویش ارائه کرده‌اند که می‌تواند بر این امر تطبیق کند.

^۳ - <http://wikifeqh.ir/> ژن





«ژنتیک»، (دانش زیست‌شناسی نوین) به معنای آفریدن یا آفرینش‌شناسی^۱ بخشی از دانش زیست‌شناسی است که به وراثت و تفاوت‌های جانداران می‌پردازد. با استفاده از قوانین و مفاهیم موجود در این دانش می‌توانیم به همانندی یا ناهمانندی دو جاندار نسبت به یکدیگر پی ببریم و بدانیم که چگونه و چرا چنین همانندی یا ناهمانندی در داخل یک جامعه گیاهی یا جانوری، به وجود آمده است. دانش ژن‌شناسی، انتقال داده‌های زیستی از یک یاخته به یاخته‌ای دیگر یا از پدر و مادر به نوزاد و نسل‌های آینده تعریف می‌شود. ژن‌شناسی با چگونگی این جابجایی‌ها که باعث نشانگان‌ها، دگرگونی‌ها و همانندی‌ها در جانداران است، سروکار دارد. دانش ژن‌شناسی به سرشت فیزیکی و شیمیایی این داده‌ها نیز می‌پردازد.^۲ در حقیقت، علم ژنتیک یکی از شاخه‌های علوم زیستی است. به وسیله قوانین و مفاهیم موجود در این علم می‌توانیم به تشابه یا عدم تشابه دو موجود نسبت به یکدیگر پی ببریم و بدانیم که چطور و چرا چنین تشابه و یا عدم تشابه در داخل یک جامعه گیاهی و یا جامعه جانوری، به وجود آمده است. علم ژنتیک علم انتقال اطلاعات بیولوژیکی از یک سلول به سلول دیگر، از والد به نوزاد و بنابراین، از یک نسل به نسل بعد است. ژنتیک با چگونگی این انتقالات که مبنای اختلالات و تشابهات موجود در ارگانسیم‌هاست، سروکار دارد. علم ژنتیک در مورد سرشت فیزیکی و شیمیایی این اطلاعات نیز صحبت می‌کند.^۳

گفتار دوم: آتاویسم

«آتاویسم»، در لغت به معنای نیاکان‌گرایی، شباهت به نیاکان و برگشت به خوی نیاکان آمده است.^۴ در اصطلاح (با لحظهِ معنای لغوی) به معنای «عادت نهفته در نسل‌های پیشین است».^{۵ و ۶}

^۱ - واژه مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دفتر نخست تا چهارم.

^۲ - <https://fa.wikipedia.org/wiki/ژنتیک>

^۳ - <http://daneshnameh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?>

^۴ - <https://www.vajje.com/en/vajje/search/> آتاویسم

^۵ - The habit lies in previous generations.

^۶ - واک لیت، ساندر، (۱۳۸۶)، شناخت جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ص

مفهومی که توسط «سزار لمبرزو» وارد علم جرم‌شناسی گردید به گونه‌ای که وی معتقد بود مجرمان شبیه به نیاکان خود می‌باشند - نوعی بازگشت به اشکال نخستین تکامل - است؛ بنابراین، فردی که به یک بزه‌کار تبدیل می‌شود باید نوعی به یک مرحله پیشتر از توسعه زیستی خود بازگردد که از آن اصطلاحاً با عنوان زوال برگشتی یاد می‌شود. البته در معنای دیگر، آتاویسم به معنای بازگشت یا رجوع مخلوقات پیش از انسان است که دارای برخی از ویژگی‌های وحشی‌ها (بربرها) می‌باشند.^۱

گفتار سوم: زیست‌شناسی جنایی

«زیست‌شناسی»، علم شناخت حیات است (این لغت از کلمه یونانی بیاس به معنی زندگی و لوگاس یعنی دلیل منطقی تشکیل شده است).^۲ زیست‌شناسی به ویژگی‌ها و رفتارهای موجودات، چگونگی تشکیل گونه‌ها و انواع موجودات و روابطی که آن‌ها با هم دارند و به محیط زیست آن‌ها مربوط می‌شود. زیست‌شناسی طیف گسترده‌ای از رشته‌های علمی که اغلب رشته‌های علمی مستقل به حساب می‌آیند را شامل می‌شود. روی هم رفته زیست‌شناسان حیات را از روی دامنه وسیعی از شاخص‌ها مورد مطالعه قرار می‌دهند. در مقیاس ذره‌ای و مولکولی، زندگی مورد بررسی زیست‌شناسی مولکولی، زیست شیمی و علم وراثت مولکولی است. در مقیاس سلولی، مورد مطالعه زیست‌شناسی سلولی و در مقیاس‌های چند سلولی، مورد نظر فیزیولوژی، کالبدشناسی و بافت‌شناسی است. زیست‌شناسی رشدی حیات را در مقیاس رشد و نمو اندام یک موجود مورد مطالعه قرار می‌دهد. با بالا بردن مقیاس‌ها به بیش از یک موجود، علم وراثت چگونگی عملکرد وراثت بین والدین و فرزندان را مورد بررسی قرار می‌دهد. رفتارشناسی جانوری رفتار گروهی بیش از یک موجود را مطالعه می‌کند. علم وراثت جمعیتی میزان یک جمعیت کل را در نظر دارد و علم سیستماتیک شاخص چند

^۱ - همان. جهت مطالعه بیشتر، رجوع کنید به: محمدی جورکویه، علی و مصطفی پور، مسعود، (۱۳۹۴)، رویکردی جرم‌شناختی - اسلامی بر قلمرو تأثیر عوامل زیستی بر رفتار مجرمانه، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۰، ص ۱۲۹.

^۲ <http://daneshnameh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php> - زیست‌شناسی



گونه‌ای اجداد موجودات را بررسی می‌کند. جمعیت‌های به هم وابسته و محل سکونتشان در بوم‌شناسی و زیست‌شناسی تکاملی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. یک رشته نظری جدید ستاره‌شناسی (زیست‌شناسی گاز بی‌اثر گزنون) نام دارد که احتمالات وجود حیات در کرات دیگر غیر از زمین را مورد بررسی قرار می‌دهد. در حقیقت، زیست‌شناسی تنوع حیات را مورد بررسی قرار می‌دهد (در جهت عقربه‌های ساعت از سمت چپ در بالا) ای. کولی، درخت سرخس، بز کوهی و سوسک جالوت.^۱ در تقسیم‌بندی چهارگانه علوم جنایی، علم تحلیلی - تفسیری جرم‌شناسی به عنوان یکی از شاخه‌های علوم جنایی تجربی و به صورت جرم‌شناسی نشری و کاربردی قابل تقسیم است؛ بنابراین، زیست‌شناسی جنایی یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی نظری اختصاصی است که اجمالاً می‌توان آن را به زیست‌شناسی جنایی سنتی و زیست‌شناسی نوین (مکتب زیستی - اجتماعی) تقسیم کرد.^۲

گفتار چهارم: آموزه های دینی

تعالیم یا آموزه‌های دینی به همه آموخته‌های دینی اطلاق می‌شود که با توجه به محتوا و کارکردهای آن به سه دسته (اعتقادات، اخلاقیات و احکام) تقسیم می‌شود:^۳

اعتقادات فکری: شامل عقاید نظری درباره مبدأ هستی (خداشناسی) و راهنمایان زندگی (پیامبران) و مقصد زندگی (آخرت) می‌باشد؛ که در ادیان در دانش کلام بررسی می‌شود و در اسلام به آن‌ها اصول دین اطلاق می‌شود.

دستورهای اخلاقی: شامل فرامین اخلاقی می‌باشد که در علم اخلاق بررسی می‌شود.

^۱- Ibid.

^۲- همان، ص ۱۳۰.

^۳-تعالیم_دینی - See: <https://fa.wikipedia.org/wiki/>



دستورهای عملی: (احکام دینی یا احکام شرعی) شامل عبادات و مسائل ضروری حیات فردی و اجتماعی زندگی است که در علوم شرعی بررسی می‌شود که در اسلام به آن علم فقه گفته می‌شود.^۱

گفتار پنجم: عوامل زیستی

عوامل در لغت جمع «عامل» است. عامل نیز هر گونه سبب، وسیله، آلت و یا باعث تعریف می‌گردد.^۲

زیست‌شناسی یا بیولوژی از علوم طبیعی و دانش مربوط به کاوش درباره جانداران است. این دانش به بررسی ویژگی‌ها و رفتار سازواره‌ها، چگونگی پیدایش گونه‌ها و افراد (کاهش گرایی) و نیز به بررسی تعامل جانداران با یکدیگر و محیط پیرامونشان می‌پردازد. (زیست‌شناسی سیستم‌ها) زیست‌شناسی شامل موضوعات گسترده‌ایست که دارای تقسیم‌بندی بسیاری از مباحث و رشته‌های مختلف است. از جمله مهم‌ترین موضوعات آن عبارت از پنج اصل به هم وابسته است که می‌توان آن‌ها را اساس زیست‌شناسی مدرن نامید:

۱- سلول‌ها به عنوان واحد اصلی حیات هستند. (نظریه یاخته). ۲- گونه‌های جدید و صفات موروثی، محصول فرگشت هستند. ۳- ژن‌ها واحد اصلی وراثت هستند. ۴- ارگانیسم‌ها محیط داخلی خود را برای حفظ یک وضعیت پایدار و ثابت، حفظ می‌کنند. ۵- موجودات زنده انرژی مصرف می‌کنند و آن را به صورت دیگری تبدیل می‌کنند. رشته‌های فرعی زیست‌شناسی به وسیله مقیاسی که در آن موجودات زنده‌ای که قبلاً مطالعه شده‌اند، انواع موجودات زنده مورد مطالعه و روش‌های استفاده شده در مطالعه آن‌ها، تعریف می‌شود: «بیوشیمی، مطالعه شیمی اولیه زندگی؛ زیست‌شناسی مولکولی، مطالعه فعل و انفعالات پیچیده در میان مولکول‌های زیستی؛ گیاه‌شناسی، مطالعه زیست‌شناسی گیاهان؛ زیست -

^۱ - فیض، علیرضا، (۱۳۷۳)، کاربرد مأخذ فقهی، نشریه نقد و نظر، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مقاله ۳، دوره ۱، شماره ۱، صص ۲۵، ۱۳۷ تا ۱۳۹.

^۲ - <https://dictionary.abadis.ir/fatofa/> عوامل /





شناسی سلولی، بررسی واحدهای ساختمانی همه حیات سلول؛ فیزیولوژی، بررسی عملکردهای فیزیکی و شیمیایی بافت‌ها، اندام‌ها و دستگاه زیستی هر موجود زنده به منظور شناخت و تجزیه و تحلیل ژنتیک آن؛ زیست‌شناسی فرگشتی، بررسی فرآیندهایی که تنوع زیستی را ایجاد می‌کنند؛ و بوم‌شناسی بررسی فعل و انفعالات موجودات زنده در محیط خود.^۱ در تکمیل تعریف زیست‌شناسی انسانی، باید گفت: محیط زیست، نیز به همه محیط‌هایی که در آن‌ها زندگی جریان دارد، گفته می‌شود. مجموعه‌ای از عوامل فیزیکی خارجی و موجودات زنده که با هم در کنش هستند محیط زیست را تشکیل می‌دهند و بر رشد و نمو و رفتار موجودات زنده - بدون دخالت در سیستم درونی انسان - تأثیر می‌گذارند.^۲

گفتار ششم: جایگاه زیست‌شناسی در جرم‌شناسی دینی

بزه، بزه‌دیده و بزهکار سازنده مثلث علمی جرم‌شناسی تا به امروز کانون توجه بسیاری از جرم‌شناسان بوده‌اند اما در این بین بزهکار را می‌توان مهم‌ترین ضلع مثلث جرم‌شناسی قلمداد کرد. تردیدی نیست که زیست‌شناسان جنایی طلایه‌داران بررسی ویژگی‌های بزهکارانند، زیست‌شناسانی که گاه با رویکردی افراطی و با تبعیت از نظریه جبرگرایی زیستی قائل به وجود تیپ جنایی بوده و بزهکاران را انسان‌هایی متمایز از غیر بزهکاران دانسته و گاه با رویکردی تعادل‌گرا، منکر وجود کروموزوم جنایت و مفهوم جبر جنایی شده و با الهام از زیست‌شناسی اجتماعی، بزهکار را موجودی مختار اما دارای گرایش‌های رفتاری منحرفانه قلمداد کرده‌اند.^۳ دین مبین اسلام نیز در راستای بهینه‌سازی ژنتیک و تحقق هدف آرمانی «انسان کامل»، هر چند در برگیرنده آیات و روایات متعددی است که بر نقش عوامل زیستی بر سرنوشت انسان تأکید

^۱ - <https://fa.wikipedia.org/wiki/> زیست‌شناسی

^۲ - <https://fa.wikipedia.org/wiki/> محیط زیست

^۳ - مطالب این مبحث، با ایجاد تغییراتی (اضافات و الحاقات) بر گرفته از منبع ذیل می‌باشد:

- محمدی جورکویه، علی و مصطفی پور، مسعود، (۱۳۹۴)، رویکردی جرم‌شناختی - اسلامی بر قلمرو تأثیر عوامل زیستی بر رفتار مجرمانه، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۰، صص ۱۲۷ تا ۱۵۱.

می‌کنند، اما همواره جایگاه انسان را در بینابین وادی جبر و اختیار تفسیر کرده و به هیچ روی از بزهکار به عنوان موجودی که اسیر سرنوشت محتوم خویش است، یاد نکرده است. جرم-شناسی در میان انبوهی از تردیدها، بدبینی‌ها و دلسردی‌ها از دستاوردهای حقوق کیفری متولد شد که با تمامی نتایج گرانمایه و ارزشمند خود در دستیابی به مسیری هموار برای مقابله قاعده-مند با بزهکاری ناتوان و درمانده بود. تردیدی نیست که «سزار بکاریا» در «رساله جرائم و مجازات‌ها» پیکره ناهمگون حقوق کیفری را با قلم علمی خود تراشیده و بسیاری از خرافه‌های ریشه‌دار آن را از بین برد، اما به تبعیت از روش دیرینه حقوق کیفری آنچه در لابه‌لای اثر وی به چشم می‌خورد، مبارزه با معلول به جای علت و جرم به جای مجرم است. بنابراین، مکتب تحقیقی (پوزیتیویستی)^۱ را می‌توان مکتبی سنت‌شکن نامید که با مکاتب حقوق کیفری تفاوت رویکردی داشته و با تغییر نگرش، مجرم را مرکز ثقل و محور مطالعات خود قرار داد. البته این بدین معنا نیست که جرم‌شناسی در مقام پیشگیری از وقوع رفتار مجرمانه صرفاً به یک دیدگاه خاص متوسل شده و تمامی جرم‌شناسان از یک دریچه مشابه رفتار مجرمانه را مورد بررسی قرار می‌دهند. بلکه درست برعکس، با توجه به میان رشته‌ای بودن علم جرم‌شناسی، راه‌های مقابله با بزهکاری و پیشگیری از وقوع رفتار مجرمانه متفاوت بوده و هر اندیشمندی از زوایای خاص به این امر پرداخته و تا به امروز نیز چنین تفاوت‌ها و تناقض‌هایی باقی و پابرجاست. اما به طور خلاصه می‌توان رویکردهای کلان حاکم بر جرم‌شناسی پوزیتیویستی را در سه شاخه‌ی «زیست‌شناسی جنایی»، «روان‌شناسی جنایی جنایی» و «جامعه‌شناسی جنایی» جستجو کرد که هر یک از آن‌ها نیز دربرگیرنده مجموعه‌ای از دیدگاه‌های خرد می‌باشند. اما آنچه در این

^۱ - «پوزیتیویسم»، اصطلاحی فلسفی است که بر اساس آن، تنها روش معتبر تحقیق و شناخت، روش علمی تجربی دانسته می‌شود. روشی که بر پایه تجربه است. اولین بار در تاریخ علوم، این اصطلاح را آگوست کنت فیلسوف و جامعه‌شناسی فرانسوی به کار برد. بنگرید به: دانشنامه حوزوی ویکی فقه، به آدرس فضای مجازی ذیل:



مبحث مورد توجه قرار گرفته است، به هیچ وجه بررسی کلان زیست‌شناسی جنایی نیست، چرا که تحقق چنین امری در قالب یک مبحث مختصر نه تنها امکان‌پذیر نیست بلکه بی‌فایده و بی‌ثمر خواهد بود. در واقع، این نوشتار به دنبال بررسی جرم‌شناختی - اسلامی «قلمرو تأثیر عوامل زیستی بر رفتار مجرمانه» می‌باشد که البته تردیدی نیست این امر نیاز به بسترسازی داشته و در همین راستا بایستی به صورت اجمالی به شاخه‌های مهم زیست‌شناسی جنایی اشاره شود. به بیان دیگر، هدف غایی بحث مزبور پاسخ به این سؤال‌ها است که آیا در ادبیات جرم‌شناسی، تأثیر عوامل زیستی در قلمرو جبر جنایی تفسیر شده است و یا اینکه تنها به عنوان زمینه‌های وقوع رفتارهای مجرمانه قلمداد می‌شود؟ و یا این که آیا وجود ویژگی‌های زیستی، منجر به شکل‌گیری شخصیت مجرمانه و در معنای آرمانی، تیپ جنایی خواهد شد و یا اینکه صرفاً باعث تنزل آستانه بزهکاری می‌گردد؟ و در نهایت امر، نگاه آموزه‌های دینی به تأثیر عوامل زیستی چگونه است؟

بند اول: زیست‌شناسی جنایی سنتی

در تقسیم‌بندی چهارگانه علوم جنایی، علم تحلیل - تفسیری جرم‌شناسی به عنوان یکی از شاخه‌های علوم جنایی تجربی به صورت زیر قابل ترسیم است:

عمومی (خرد و کلان)	نظری	جرم‌شناسی
اختصاصی (زیست‌شناسی جنایی، روان‌شناسی جنایی، جامعه‌شناسی جنایی)		
جرم‌شناسی بالینی		

پیشگیرانه (اولیه، ثانویه، ثالث و ...)	کاربردی	
انتقادی		

مرجع اصلی این تقسیم‌بندی و ترسیم گونه‌های جرم‌شناسی نوین به شکل مرقوم، کتاب ذیل می‌باشد:

لازرژ، کریستین، (۱۳۸۲)، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ص ۳۶. بنابراین، زیست‌شناسی جنایی یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی نظری اختصاصی است که اجمالاً می‌توان آن را به زیست‌شناسی سنتی و زیست‌شناسی نوین (مکتب زیست - اجتماعی) تقسیم کرد. اکثراً تصور می‌شود بازه زمانی زیست‌شناسی جنایی سنتی با تولد علم جرم‌شناسی آغاز شده و تا پایان نیمه اول قرن بیستم ادامه یافته است. با پذیرش چنین رویکردی، زیست‌شناسی جنایی سنتی با انتشار کتاب «مرد جنایتکار» و به بیان دقیق‌تر نظریه آتاویسم «سزار لمبروزو» پا به عرصه وجود نهاده و پس از انتقادهای وارده بر نظریه «تیپ بدنی» اثر «ویلیام شلدون»، دوران افول خود را تجربه کرده است. (به طور تقریبی از ۱۸۷۶ تا ۱۹۴۹). هر چند ممکن است در ادبیات جرم‌شناسی چنین ترسیمی از روند تاریخی زیست‌شناسی جنایی سنتی، ترسیمی غلط و اشتباه نباشد اما بی‌تردید دقیق و کامل هم نیست. به بیان دیگر، چنین برداشتی تنها دربرگیرنده نیمی از واقعیت است و ناخواسته بخش دیگر آن را به دست فراموشی می‌سپارد. این سخن یک ادعای صرف نیست، حقیقتی است که حتی خود لمبروزو نیز در سخنرانی سال ۱۹۰۶ به آن اشاره کرده است: «من به جز دادن حالتی شکل یافته و نظام‌مند به یک پیکر مبهم و شناور در هوا کار دیگری انجام ندادم».^۱ در حقیقت، «لمبروزو» وارث عقاید سیماشناسی، مجموعه‌شناسی، پزشکی قانونی، روان‌پزشکی و به

^۱ - گسن، ریموند، (۱۳۸۵)، جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، چاپ دوم، تهران انتشارات مجد، ص ۶۹.

^۲ - "I didn't do anything except give a shapely, systematic shape to a vague, floating figure in the air".



خصوص داروینسم قبل از خود بوده و عقاید وی به مثابه روحی بود که در کالبد نیمه جان عقاید زیستی پیشین دمیده شد.^۱

بند دوم: زیست‌شناسی جنایی نوین

پس از افول دیدگاه‌های زیستی و تسلط نگرش جامعه‌شناسانه شاید کمتر کسی تصور می‌کرد عقاید زیستی بار دیگر در محافل جرم‌شناسی مورد توجه قرار گیرد، اتفاقی که برخلاف جریان غالب جرم‌شناسی به صورت نظام یافته با انتشار کتاب جنجالی «زیست‌شناسی اجتماعی، تلفیقی جدید» اثر «ادوار ویلسون»، در سال ۱۹۷۰ به واقعیت پیوست و مجدداً مباحث زیستی مورد توجه جرم‌شناسان قرار گرفت.^۲ البته این بدین معنا نیست که در دوران افول زیست‌شناسی جنایی، عقاید زیستی به طور کامل فراموش شده بود، بلکه به نظر می‌رسد تنها اثربخشی آن تا حدود فراوانی کاهش یافته بود. تجربه تلخ زیست‌شناسان جنایی از به استهزاء گرفته شدن عقاید زیستی سنتی عاملی بود تا این بار با دیدگاهی علمی و واقع‌بینانه به رابطه بین بزهکاری و عوامل زیستی پردازند و از زوایای مختلفی موضوع را به بحث گذارند که غالباً در طبقه‌بندی سه‌گانه‌ی رابطه رفتار مجرمانه با ژنتیک، زیست‌شیمیایی و فیزیولوژی عصب بیان می‌شوند که به علت خارج بودن قلمرو مطالعاتی آن‌ها از موضوع مقوله مذکور، تنها به صورت فهرست‌وار به آن‌ها اشاره می‌شود:^۳

الف: رابطه رفتار مجرمانه و ژنتیک

^۱ - See: <https://buni.ir/masoud-1-459-10-A-63>

^۲ - Adler et Freda, et al, (2010), Criminology, Seventh Edition, Mc Graw-Hill, New York, p.75.

^۳ - جهت کسب اطلاع بیشتر در این خصوص، رجوع کنید به: مصطفی پور، مسعود و حسینی، سید محمد، (تابستان ۱۳۹۶)، «جرم‌شناسی عصب»؛ رویکردی نوین در تحلیل جرایم خشونت‌آمیز اطفال و نوجوانان (با تأکید بر منحنی سن - جرم)، مجله دانشگاه علامه طباطبائی، مقاله ۶، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۱۹۶-۱۲۷.

جرم‌شناسی وام‌دار بسیاری از یافته‌های جدید علم ژنتیک است. در علم جرم‌شناسی، ژن‌ها از دو جهت بر رفتار مجرمانه تأثیر می‌گذارند: نخست، از طریق انتقال خصیصه‌ها و ویژگی‌های زیستی که تحت عنوان «وارثت و جرم» به بحث گذاشته می‌شود. دوم، از طریق دگرگونی‌هایی که ممکن است در آن‌ها ایجاد گردد که ذیل «اختلال‌های ژنتیکی» قابل بررسی است، از مهم‌ترین موارد آن اختلال‌هایی چون XXY یا YYX می‌باشد.^۱

ب: رابطه رفتار مجرمانه و زیست‌شناسی شیمیایی

در کنار مطالعه عوامل ژنتیک، زیست‌شناسان جنایی از اهمیت عوامل زیست‌شیمیایی (Biochemical Factors) نیز غافل نبوده و تلاش خود را وقف درک رابطه عوامل زیست‌شیمیایی و رفتار مجرمانه کرده‌اند. محتاطانه می‌توان تأثیر عوامل زیست‌شیمیایی بر رفتار مجرمانه را در دو قسمت مجزا بررسی کرد: عوامل درونی و عوامل بیرونی. مهم‌ترین عوامل درونی تأثیرگذار در وقوع جرم در چند مورد خلاصه می‌شوند: نخستین مورد، تأثیر تغییرات هورمونی در بدن است که به نوعی بستگی به شیوه عملکرد غدد درون‌ریز دارد، برای نمونه تغییر میزان «تسترون» در مردان و «سندروم پیش‌قاعدگی» در زنان و رابطه‌ای که آن‌ها با رفتارهای پرخاشگرایانه دارند. دومین مورد را می‌توان در میزان کمی «قند خون» دانست. مورد مهم دیگر در چگونگی تأثیرگذاری «آلرژی‌ها» در وقوع جرائم گوناگون جای می‌گیرد. در مورد عوامل بیرونی نیز می‌توان به دو مورد مهم اشاره کرد: مورد نخست تأثیر «رژیم غذایی» و تغذیه بر رفتارهای مجرمانه است که برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده در این زمینه بر روی روابط الکل، مواد مخدر و شکر با رفتار مجرمانه است. دومین مورد، درباره تأثیرات آلودگی‌های محیطی بر میزان وقوع جرائم است، برای نمونه بسیاری از تولیدات صنعتی باعث افزایش چشمگیر آلودگی محیطی شده است که مواد مسموم‌کننده آن همچون سرب، جیوه و

^۱ Barkan, Steven, (2009), Criminology a sociological understanding, Fourth Edition, -
pearson Prentice Hall, p.143



سم دفع آفات از طریق شیوه‌های گوناگون وارد بدن انسان می‌گردند، مواد مسموم‌کننده‌ای که با اختلال‌های شدید ادراکی و رفتاری مرتبط است.^۱

پ: رابطه رفتار مجرمانه و فیزیولوژی عصب

«فیزیولوژی عصب»، از رشته‌هایی است که با پیشرفت علم، جایگاه ویژه‌ای را کسب کرده است. در جرم‌شناسی می‌توان به گرایشی نسبتاً نوپا در شاخه زیست‌شناسی، به نام «جرم‌شناسی عصب» اشاره کرد که کارهای عمده آن تحت تأثیر پژوهش‌های انجام گرفته توسط «هانس ایسنگ»، «جفری گری» و «آدرین رین» صورت گرفته است. عوامل فیزیولوژی عصب در برگیرنده مواردی چون ضایعات مغزی، نابهنجاری‌های موج الکتریکی مغز و اختلال‌های جزئی مغز می‌باشد.^۲

بخش سوم: زیست‌شناسی جنایی (عوامل زیستی) و ارتکاب جرم

گفتار اول: جرم‌شناسی زیستی یا جرم‌شناسی بر پایه زیست‌شناسی

به اعتقاد محققان اثر عوامل فردی، انسان را برای ارتکاب اعمال خاصی آماده می‌سازد که برخی از آن‌ها در این گفتار از مقاله حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بند اول: وراثت از دیدگاه جرم‌شناسی اسلامی

از دانشمندان «سزار لمبرزو»، معتقد به وجود «جانین مادرزادی» فاقد اراده‌ی آزاد و روح آدمی بود. برخی دانشمندان عامل کروموزوم اضافی و برخی گرایش‌های ارثی را است از عوامل جرم‌زا شمرده‌اند.^۳ مطالعات «داگدال» و «استابروگ»، نشان می‌دهد تبهکاری و عصمت،

^۱- Glick, Leonard, et al, (2008), Criminology, Second Edition, Pearson Education Inc, p. 111.

^۲- حمید، کامل و دیگران، منبع پیشین، ص ۸۳.

^۳- مطالب این گفتار، با ایجاد اضافات و تغییراتی، برگرفته از منبع (مقاله) ذیل می‌باشد:

از قانون وراثت تبعیت می‌کند و «گذار» وراثت مادری را مؤثر دانسته، «تامسون»، جنایتکار را ثمره فاسد میراث تحمیلی دانسته‌اند، «کارلرات»، آن را تابع قوانین انتقال ارثی ژن‌ها شمرده‌اند. «چارلز گورینگ»، ضمن رد جانی مادرزادی اعلام نمود که نمی‌توان منکر تأثیر وراثت در ارتکاب بزه گردید. در نظر «دوپره» نیکی و بدی در افراد فطری و جبری است. دکتر «کی نیا» جرم‌شناس ایرانی عقیده دارد تبهکاری فرزندان نه بر اثر وراثت، بلکه محصول آموختن تبهکاری از والدین و سایر عوامل نامساعدی است که رشد جنین را تحت الشعاع قرار می‌دهد. نظریات دانشمندانی چون لمبروزو با آموزه‌های اسلامی هماهنگ نیست. از نظر اسلام، فطرت انسان فطرتی پاک و توحیدی است و اخلاق و اعمال تا مقدار زیادی تحت تأثیر وراثت است که اولین عامل تکوین شخصیت انسان معرفی شده است. برای همین بر همسرگزینی از خانواده با شرافت تأکید شده است. امام علی (ع) در خصوص تأثیر منفی ارث بر رفتار انسان، پیش‌بینی کردند که نه نفر از خوارج که پس از جنگ گریخته بودند دزد و راهزن می‌شوند و چنان که نقل شده پیش‌بینی ایشان به وقوع پیوست. ایشان در تأثیر مثبت ارث، خوش‌خوئی را ناشی از ارث می‌دانند.^۱ علم نوین جرم‌شناسی بر این حقیقت دست یافته که در نوع انسان تمایلات جنایی ارثی نیست و فاکتورهای ژنتیکی فقط زمینه‌ساز برخی حالات روحی است که بر شخصیت انسان تأثیر دارد و به طور مستقیم عامل جرم‌زا محسوب نمی‌شود، این معنی مورد تأیید اسلام است. حدیث پیامبر که فرمود: «الشَّقِيُّ مِنَ شَقِيٍّ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَ السَّعِيدُ مِّنْ سَعِدٍ فِي



- پورحسن خیوای، آمنه، (آذر ماه ۱۳۹۵)، تطبیق جرم‌شناسی اسلامی با جرم‌شناسی عرفی، کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، علوم انسانی. قابل دریافت از پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی به آدرس فضای مجازی ذیل:

https://www.sid.ir/fa/seminar/ViewPaper.aspx?ID=29795

^۱ - تذکره الاولیاء، ذکر فضیل عیاض «از عطار نیشابوری»، ذکر رابعه عدویه رحمة الله علیها، رجوع کنید به:

https://fa.wikisource.org/wiki/تذکره_الاولیاء/ذکر_فضیل_عیاض

- جهت مشاهده ویژگی‌های خوارج از منظر امام علی - علیه‌السلام - رجوع کنید به: تریبون مستضعفین، (سه‌شنبه ۱۶ تیر

۱۳۹۴)، ۱۴ ویژگی‌های خوارج از منظر امام علی، به آدرس فضای مجازی ذیل:

https://www.teribon.ir/archives/۱۴-ویژگی-خوارج-از-منظر-امام-علی



بَطْنِ أُمَّه^۱ نیز قابل تأمل است. عده‌ای از دانشمندان اسلام در قبول آن توقف و عده‌ای در تأثیر قانون ارث در بزهکاری به این حدیث استناد کرده‌اند.^۲ عده‌ای دیگر معتقدند خداوند در شکم مادر خوشبختی یا بدبختی را مقدر نموده است، اما سعادت و بدبختی بر اساس اختیار انسان رقم می‌خورد.^۳ به نظر گروهی، گاهی اوقات اعمال و باورهای والدین موجب تأثیر در نطفه می‌شود به همین دلیل در مورد انتخاب همسر و مراقبت‌های رفتاری والدین برای ایجاد نسلی سالم و صالح تأکید فراوان وجود دارد. امام خمینی منظور از بطن ام را عالم طبیعت می‌داند که مبدأ سعادت و شقاوت آن جهان می‌گردد.^۴ بر اساس آموزه‌های صحیح اسلامی انسان دارای قوه اختیار است و با تربیت نیکو و حصول اراده توانا و ایمان راسخ می‌توان عوامل جرم‌زای فردی را در وجود شخص مهار کرد.^۵

بند دوم: قیافه (چهره) و جسم (فیزیک بدنی) از منظر جرم‌شناسی اسلامی

^۱ - کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۳۸۹ ش)، الکافی، جلد ۸، قم، دارالکتب الاسلامیه، ص ۸۱.

^۲ - https://www.academia.edu/344971652/جرم_شناسی_اسلامی_با_جرم.

^۳ - رحم مادر به منزله خاک و زمین آماده کشت می‌باشد، بدین جهت، خوشبختی و بدبختی در گرو زمینه و شرایطی است که آن را کمک کرده و یا از بین می‌برد. البته اگر آلودگی‌های اولیه، او را برای بدبختی ساخته باشد، با ابزارهای تربیتی ممکن است، وی را به خوشبختی رساند. بنابراین، بدبختی فرد در گرو تربیت فرد است و این تربیت هم از همان نطفه آغاز می‌شود. چون رحم برای بدبختی و خوشبختی کودک، زمینی است آماده و این از مقدرات تغییرناپذیر الهی نیست، زیرا می‌توان بد را با تربیت و محیط سالم، خوب و خوب را با محیط ناسالم بد کرد. بنگرید به: گروه اینترنتی رهروان ولایت، (۱۳۹۴/۰۳/۲۳)، «الشقی شقی فی بطن امه و السعید سعید فی بطن امه» صحیح است؟ به آدرس فضای مجازی ذیل:

<https://www.welayatnet.com/fa/news/67342>

^۴ - بنگرید به: کجباف، محمد باقر، (۱۳۸۴)، رفتارشناسی جنسی در اندیشه دینی، مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۷، نمایه شده در پرتال جامع علوم انسانی به آدرس فضای مجازی ذیل:

http://ensani.ir/fa/article/107473/رفتارشناسی_جنسی_در_اندیشه_دینی

^۵ - جهت مطالعه تفصیلی در این خصوص، رجوع کنید به: رفیعی، بهروز، (پاییز و زمستان ۱۳۹۶)، درنگی در نسبت «اراده» با «تربیت اخلاقی» و اشاره‌ای به «روش پرورش اراده اخلاقی»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال یازدهم، شماره ۲۱، صص ۱۵۱ الی ۱۷۵.



رابطه بین ناهنجاری‌های جسمی و جرم مورد توجه فلاسفه‌ی یونان بود و منبع مساعدی برای پیدایش نظریات دانشمندانی چون «لومبروزو»، «دلپورتا»، «لاوات»، «گال»، «ارنستوتین»، «ویولا»، «ارنست کرچمر» و دیگران شد که معتقد به وجود رابطه بین جسم و تبهکاری بودند. «دوگریف»، به وجود علائمی مانند: بلند بودن بازوان، عدم تقارن در جمجمه و بدشکلی گوش‌ها زیاد اهمیت می‌دهد. «گورینگ»، باور به پستی بدنی و قوای عقلی تبهکاران نسبت به سایر اشخاص داشت و این دقیقاً نقطه مقابل نظر «لومبروزو» بود که دریافته بود قد و وزن جنایتکاران از افراد به هنجار بلندتر و سنگین‌تر است. جانی مادرزادی با خصوصیات ظاهری مورد انکار «بار» است. «استفانی»، نیز تعلق فرد به یک تیپ معین را دلیل بر استعداد او در بزهکاری نمی‌داند.^۱ از امام علی (ع) در خصوص نیکی و بدی اندام و اخلاق و رفتار نقل شده که مردم به اندازه نزدیک بودن نطفه‌های ترکیب شده با هم همخویند و به قدر اختلاف و جدائی آن‌ها در اوصاف با هم فرق دارند، برای همین گاهی نیکو منظر، کم‌عقل؛ بلندقد، کوتاه همت؛ نیکو کردار، زشت‌رو؛ کوتاه‌قامت، دوراندیش؛ نیکو طبیعت، خصلت بد بر خود بسته و خوش‌زبان، تیز دل است.^۲ توصیفات «لمبروزو» و همفکران او با فرمایش حضرت علی (ع) با یکدیگر در تغایر کامل هستند. در نقطه مقابل این فرمایش، امام علی (ع) در نام‌های از لحاظ ظاهری معاویه را شخصی وارونه و با کالبد سرنگون توصیف کرده‌اند که نشان‌دهنده عدم تعادل جسمی معاویه است که این بیان حضرت با دیدگاه «لمبروزو» و «دوگریف» در خصوص عدم تناسب اندام که از مشخصات جانی زادگان است، در تطابق است.

بند سوم: سن از منظر جرم‌شناسی اسلامی

^۱ - جهت مطالعه تفصیلی در این خصوص، رجوع کنید به: شفیعی، روح اله، (تیر ماه ۱۳۹۲)، بازشناسی تأثیر اخلاط و امزاج اربعه در بروز جرم، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، به راهنمایی دکتر محمود المیر و مشاوره دکتر حمیدرضا افشار، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران.

^۲ - یوسف وند، محمود، (۱۳۸۸)، دولت اخلاقی از منظر امام علی (ع)، مجله پگاه حوزه، شماره ۲۶۲، نمایه شده در پرتال جامع علوم انسانی، به آدرس فضای مجازی ذیل:



بیشتر محققین عمر انسان را به چهار مرحله تقسیم کرده‌اند؛ در طفولیت که در تکوین شخصیت انسان بسیار حساس است و کودک با اتکا به بزرگ‌ترها و حمایت و مراقبت آن‌ها کمتر مرتکب جرم می‌گردد. در مرحله مراقبه فرد بیشتر از مرحله قبل تحت تأثیر محیط خارجی است، افزایش ترشح غدد داخلی و برتافتن از فرمان پدر و مادر و قیود تحمیلی امکان بروز جرم به خصوص تجاوز به اموال، آزارهای بدنی و تجاوز به اعراض در این مرحله را افزایش می‌دهد. مرحله نضج شامل: جوانی (۱۳ تا ۲۱ سالگی) که بیشتر جرائم در این سن انجام می‌پذیرد و پختگی حقیقی (۱۹ تا ۲۱ سالگی) که جرائم مربوط به خیانت در امانت و کلاهبرداری در این مرحله زیادت‌تر است. مرحله شیوخیت (از ۱۹ سالگی تا آخر عمر) و کمترین میزان جرائم در این سنین واقع می‌شود.^۱ به نظر محققین و برخی جرم‌شناسان مانند «ساترلند»، سن به طور مستقیم یا غیرمستقیم تأثیر بسیاری در شکل ارتکاب بزه و فراوانی آن دارد.^۲ بر طبق آمار هر اندازه انسان قوی‌تر شود و سن رو به افزونی گذارد بیشتر مرتکب جرم می‌شود. به نظر پرفسور یط تمایل به جنایات به موازات رشد بدنی و نیروی حیاتی و شهوات، فزونی می‌یابد. «دوگریف» نیز این توجیه را به طور ضمنی پذیرفته است. بر طبق نظریه دیگر تبهکاری در سه مرحله به ماکزیمم خود می‌رسد ۶-۸، ۹۶-۹۴ و ۴۱-۴۲ سالگی. این سه دوره از یک سو از دگرگونی‌های دو غریزه جنسی و پرخاشگری و از سوی دیگر از تغییراتی که در نیروی شخصیت به وجود می‌آیند، ناشی می‌شود. «گورینگ»، باور داشت کسانی که در اثر وراثت آمادگی جنایی دارند از همان آغاز سال‌های نوجوانی دست به ارتکاب جرم می‌زنند. کی نیا معتقد است این نظری است که در آن گورینگ تقلید از والدین را با وراثت اشتباه می‌کرده است. در دین اسلام، دوران زندگی انسان بعد از تولد را به سه دوره‌ی کودکی، بلوغ و پیری

^۱ - بی‌نا، (مرداد و شهریور ۱۳۸۲)، سن و ارتکاب جرم، سال هفتم، ماهنامه شماره ۳۹، ص ۳ به بعد. نمایه شده در پرتال جامع علوم انسانی، به آدرس فضای مجازی ذیل:

<http://ensani.ir/fa/article/download/129129>

^۲ - جهت مطالعه بیشتر، رجوع کنید به: شمعی، علی؛ عین شاهی میرزا، محمد و ملکان، جواد، (بی‌تا)، بررسی عوامل و پدیده‌های مؤثر بر بروز جرائم و آسیب‌های اجتماعی در کلانشهرها (با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین)، مجله سپهر، دوره بیست و یکم، شماره هشتاد و سوم، صص ۴۴ الی ۵۰.

تقسیم شده است و حد طفولیت همانند نظر اکثریت صاحب نظران تا زمان بلوغ قرار داده شده است. در بیشتر احادیث، دوران رشد، بعد از تولد تا ۲۹ سالگی تقسیم بندی شده است. دین اسلام، همانند دید دانشمندان امروز به روحیه اطاعت و فرمانبرداری و تقلید توجه کرده است که همین عوامل می تواند زمینه ساز جرم یا دوری از آن باشد.^۱ پیامبر اکرم (ص) کودک را در هفت سال اول آقا، در هفت سال دوم او را دارای روحیه اطاعت و فرمانبرداری و در هفت سال سوم او را وزیر و مشاور قلمداد کرده است.^۲ امام صادق (ع) در حدیثی سفارش به بازی با کودک در هفت سال اول، تحت تربیت و آموزش قرار دادن در هفت سال دوم و با خود همدم و همراز ساختن در هفت سال سوم نموده و می فرماید: «پس اگر در صراط حق بود و از باطل گریزان و سعادت خود را دریافت که بسیار خوب و اگر نه چنین شد امید خیری در وجودش نخواهد بود». این کلام نشان پیریزی شخصیت فرد در مراحل مختلف سنی است. در خصوص دوران جوانی حضرت علی (ع) دل جوان را به زمین خالی تشبیه کرده که هر تخم که در آن افشاندن شود، آن را می پذیرد.^۳ کلام پیشوایان دین با دیدگاه جرم شناسان پیرامون ریشه یابی جرم در کودک و جوان و پیریزی انحرافات جنایی در اوان زندگی انطباق کامل دارد. فرمایش امام صادق (ع) نشان دهنده تأثیر رفتار والدین تا ۲۹ سالگی و تثبیت شخصیت پس از این دوران است.^۴ با توجه به ویژگی مرحله همراهی از دید اندیشمندان، مطمئناً



^۱ - پایگاه اطلاع رسانی حوزه، (اسفند ۱۳۸۴)، نگاهی به مراحل تربیت کودک از منظر دین، مجله طوبی، شماره ۳، به آدرس فضای مجازی ذیل:

<https://hawzah.net/fa/Magazine/View/> - ۳۵۴۲۸/۴۳۶۶/۳۲۸۰/نگاهی-به-مراحل-تربیت-کودک-از-منظر-

دین

^۲ - «قال رسول الله (ص): الولد سید سبع سنین و عبء سبع سنین و وزیر سبع سنین. فان رضى خلائقه لإحدى وعشرين وإلا فاضرب على جنبه فقد أهدرت إلى الله تعالى». به نقل از: عالم زاده نوری، محمد، (۱۳۸۷)، راهنمای تربیت، مجله پگاه حوزه، شماره ۲۴۳، مندرج در پرتال جامع علوم انسانی، به آدرس فضای مجازی ذیل:

<http://ensani.ir/fa/article/> - ۶۴۰۹۲/راهنمای-تربیت

^۳ - <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/> - ۳۸۱۴/۷۵۰۲۶/۶۵۳۰/قرائتی-از-یک-حدیث-نبوی-پیرامون-

مراحل-و-دوره-های-تربیتی-راهنمای-تربیت

^۴ - See: <http://www.hajij.com/fa/articles/religious-articles-viewpoint>



توصیه‌های اولیای دین (تشبیه دل جوان به زمین خالی و تقسیم‌بندی دوران زندگی و نبودن امید خیر پس از این دوران) با توجه به چنین ویژگی‌هایی بوده است که تربیت صحیح را تا پایان دوران مراقبه و حتی بیشتر از آن (۲۹ سالگی) توصیه نموده‌اند تا بدین وسیله زمینه لازم برای تربیت نیکو فراهم شود و از بروز جرم و بزه و ناهنجاری پیشگیری به عمل آید.^۱

گفتار دوم: روان‌شناسی جنایی از منظر آموزه‌های دینی

روان‌شناسی جنایی دانشی است که با تحقیق درباره کیفیت تشکیل شخصیت جنایتکاران و یافتن علل و موجبات بروز جرم، خاصه برخی از موضوعات مهم روان‌شناسی جنایی به اجمال بررسی عوامل روانی جرم‌زا، به پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان می‌پردازد، می‌شود:

بند اول: علل رفتار جنایی از نظر جرم‌شناسی اسلامی

مهم‌ترین دیدگاه در زمینه علل رفتار جنایی نظریات «فروید»^۲ است. وی عوامل سازمان دهنده شخصیت آدمی را در سه عنوان نهاد یا او، خود و فراخود، بررسی می‌کند به نظر او کلیه اعمال غریزی و تمایلات وابستگی به دیگران، تهاجم، فرار و خشم مربوط به نهاد آدمی است و ارتباط و تبادلات متقابل بین شخص و واقعیت و عالم خارج از او مستلزم تشکیل یک دستگاه جدید روانی است که آن را خود یا من می‌نامند. هرگاه خود اسیر نهاد شود و از فرامین فراخود سرپیچد از طرف فراخود توبیخ و مجازات می‌شود.^۳ این نهاد در روان‌شناسی اسلامی همان نفس اماره بالسوء است که انسان را به زشتی امر می‌کند. در عربی به خود، نفس گفته می‌شود و بزرگ‌ترین باخت‌ها و قمارها باخت خود معرفی و سفارش به مجاهده با نفس و حفظ

^۱ - <http://mamisho.com/the-most-important-period-of-education-from-birth-to-seven-years-on-the-basis-of-verses-and-narrations/>

^۲ - زیگموند فروید (زاده ۶ مه ۱۸۵۶ - درگذشت ۲۳ سپتامبر ۱۹۳۹) عصب‌شناسی و روان‌شناس اتریشی بود. فروید پایه‌گذار رشته روانکاوی است.

^۳ - <https://fa.wikiquote.org/wiki/-> زیگموند فروید

شرافت و کرامت نفس شده است. فراخود نیز همان «نفس لوآمه»^۱ است که در زبان عامّه به «عذاب وجدان» تعبیر می‌شود. علاوه بر مطابقت نظر فروید با نظر اسلام، به نظر می‌رسد فروید چیزی جز نفس اماره و لوآمه را ندید اما قرآن کریم از مراحل عالی نفس، تحت عناوین: نفس ملهمه، مطمئنه و راضیه و مرضیه اشاراتی دارد.^۲

بند دوم: حالات خطرناک در جرم‌شناسی اسلامی

«حالت خطرناک»، حالت بالقوه موجود و مخصوصاً بارز کسانی است که مقارن با وضع دشوار اجتماعی فعلیت می‌یابد. «گارو فالو»، با انتقال این مفهوم به جرم‌شناسی ابتدا به ظرفیت جنایی توجه کرد. ظرفیت جنایی در نظر او یعنی تعیین فساد ثابت و مؤثر به نظر او باید در موارد ارتکاب بزه به فکر شایستگی محکوم برای بزه‌کار و میزان شرّ است که از جانب او می‌توان با بیمناکی انتظار داشت زندگی اجتماعی بود تا از وی رفع خطرناکی شود. چنین تدابیر پیشگیرانه‌ای که ناشی از واکنش جامعه برای جلوگیری از تکرار جرم مجرمان خطرناک صورت می‌گیرد با عنوان «اقدام تأمینی» شهرت دارد. چون احتمال تکرار خطر از جانب فاعل بیشتر است. ایشان راجع به حالت بر حسب فرمایش امام علی (ع) کننده کار بد را از بدی بدتر است خطرناک فرموده‌اند: گویا می‌بینم یک فاسق و گناهکار ایشان (عبدالملک ابن مروان) را پیرو از منکر و کارهای زشت که با آن الفت و انس گرفته و رام و موافق گشته تا این که



^۱ - «نفس لوآمه»، به معنای نفس سرزنش‌گر، نیرویی در وجود آدمی است که او را به خاطر انجام کارهای بد و گناه سرزنش می‌کند. چون پس از انجام گناه، صاحبش را ملامت می‌کند، به آن لوآمه می‌گویند. این اصطلاح از آیه «وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللّوآمَةِ» گرفته شده است. آیت الله مظاهری از نفس لوآمه به وجدان اخلاقی تعبیر کرده است. همچنین برخی معتقدند نفس لوآمه، بر اثر تکرار گناه، کارکرد خود را از دست می‌دهد. شهید مطهری و فخر رازی نفس لوآمه را مرتبه‌ای از نفس می‌دانند که در مرحله‌ای بالاتر از نفس اماره و پایین‌تر از نفس مطمئنه قرار دارد. دانشنامه مجازی مکتب اهل بیت (ویکی شیعه)، به آدرس فضای مجازی ذیل:

http://fa.wikishia.net/view/نفس_لوآمه

^۲ - جهت مشاهده هر یک از این مفاهیم، رجوع کنید به: دانشنامه آزاد ویکی پدیا به آدرس فضای مجازی ذیل:

<https://fa.wikipedia.org/wiki/نفس>



موهای سرش بر آن کار زشت سفید گردیده و خواهش به آن رنگ شده است پس (به انجام هر کار زشتی) رو آورد توصیف حضرت در حالتی که کف بر لب دارد (مست و بی‌پروا است) مانند دریای بزرگ پر موجی که باک ندارد از آنچه غرق می‌گرداند. امام علی (ع) با توصیف حالت خطرناک از لحاظ جرم‌شناسی مطابقت دارد در کلام حضرت، ویژگی انس با تبهکاری و بی‌پروایی تبهکار با ظرفیت جنایی و انتظار از میزان شرّی که از فرد می‌توان انتظار داشت، مطابقت دارد.^۱

بند سوم: شخصیت جنایی از نظر جرم‌شناسی اسلامی

جرم‌شناس مشهور جهان «پیناتل»، به وجود «شخصیت جنایی»، باور دارد او برای شخصیت جنایی چهار مؤلفه هسته مرکزی خویش‌بینی اخلاقی که گیری هیجانی، پرخاشگری و بی‌تفاوتی عاطفی قائل است.^۲ در دین اسلام، کسانی که دچار خویش‌بینی اخلاقی و گه‌گیری هیجانی و پرخاشگری هستند مجرم نیستند اما برای خود و جامعه خطرناک محسوب شده و رفتار آنان مقدمه گناهان بزرگ‌تر یا موجبات ارتکاب جرم است. مجرمین خطرناک در اسلام با صفت «قسّ القلب» و «سهل‌انگار» معرفی شده‌اند که مطابق با بی‌تفاوتی عاطفی است و احتمال تکرار خطر از سوی چنین اشخاصی بیشتر است که می‌تواند عامل ایجاد گناه و جرم باشد. پس دیدگاه اسلام در خصوص شخصیت جرم‌زا دقیقاً با دیدگاه پیناتل در زمینه تشکیل شخصیت جنایی و زمینه‌سازی آن برای بزهکاری و جرم مطابقت می‌کند.^۳

بند چهارم: اقدامات تأمینی در قوانین موضوعه و دین اسلام

^۱ - حمید، کامل و دیگران، منبع پیشین، ص ۱۲۱.

^۲ - <http://www.aria-law.com/Data-View.aspx?lang=fa&id=-۹۰۹۰>

^۳ - جهت مشاهده مقالات مرتبط با مجرمین خطرناک، رجوع کنید به: پرنال جامع علوم انسانی با آدرس مستقیم ذیل:

<http://ensani.ir/fa/tag/-/مجرم+خطرناک/۵۷۸۹۵>

«اقدامات تأمینی»، یعنی تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم (جنحه یا جنایت) در مورد مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند. همچنین، «مجازات بازدارنده»، تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد. از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط اقدامات تأمینی و تربیتی شامل: اقدامات تأمینی سالب آزادی، اقدامات تأمینی معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین، موارد محدودکننده آزادی و اقدامات تأمینی مالی و مانند آن هستند.^۱ در دین مبین اسلام، مصادیق اقدامات تأمینی و تربیتی یافت می‌شود که شامل نگهداری مجرمین در محل مخصوص، تبعید یا منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین، اقدامات در خصوص اطفال و مجانین، انتشار حکم، محرومیت از حقوق اجتماعی و مدنی، ضبط و از بین بردن اشیای خطرناک، کنترل مکان و محافظت از آماج‌های جرم است. هدف از وضع اقدامات تأمینی و تربیتی اسلام اصلاح فرد بزهکار و حفظ شرافت جوامع بشری و تأمین صلاح همگان، از بین بردن کلیه مفاسد و پیشگیری از جرم است که تمام آن‌ها به نحوی در قوانین تأمینی و تربیتی کشورمان لحاظ گردیده است.^۲

گفتار دوم: قلمرو و اثرگذاری زیست‌شناسی جنایی از منظر آموزه‌های دینی

برای درک تأثیر عوامل زیستی بر روی رفتار مجرمانه بایستی بین دو مقوله «امکان اثرگذاری» و «میزان اثرگذاری» عوامل زیستی قائل به تفاوت شده و هر یک را به صورت جداگانه مورد کنکاش قرار داد.

بند اول: امکان اثرگذاری عوامل زیستی

^۱ <https://www.yasa.co/blog/punishments-and-measures-of-educati->

^۲ - بنگرید به: ابراهیم پور لیلاستانی، حسین، (۱۳۸۵)، اهداف مجازات در دو رویکرد حقوق جزا و آموزه‌های دینی، مجله معرفت، شماره ۱۰۶، نمایه شده در پرتال جامع علوم انسانی، به آدرس فضای مجازی ذیل:

<http://ensani.ir/fa/article/-/اهداف-مجازات-در-دو-رویکرد-حقوق-جزا-و-آموزه-های-دینی>



منظور از «امکان اثرگذاری عوامل زیستی»، اثبات وجود رابطه‌ای معنی‌دار بین عوامل زیستی و رفتارهای مجرمانه است.^۱ اثبات وجود چنین رابطه‌ای، ابزاری حیاتی برای زیست‌شناسان جنایی است که زمینه را برای بحث و بررسی در مقوله «میزان اثرگذاری عوامل زیستی» فراهم می‌کند. به بیان دیگر، اگر پژوهش‌های زیستی صورت گرفته نافی وجود هر گونه رابطه‌ای بین عوامل زیستی و رفتارهای مجرمانه باشد، طبیعتاً بررسی مقوله دوم بی‌محمل است زیرا زمانی که از اساس اعتقادی به اثرگذاری عوامل زیستی وجود نداشته باشد، تعیین حدود و ثغور اثرگذاری، عملی لغو و بیهوده خواهد بود. البته در بادی امر توجه به این نکته بسیار ضروری است که منظور از ویژگی‌های زیستی، صرفاً عوامل وراثتی نیست، بلکه باید توجه داشت که برخی از عوامل زیستی هم ژنتیکی و هم ارثی‌اند یعنی حاصل ژن‌هایی‌اند که اشخاص در زمان انعقاد نطفه از والدینشان دریافت می‌کنند. ویژگی‌های دیگر حاصل دگرگونی‌های ژنتیکی‌ای می‌باشند که در زمان انعقاد نطفه روی داده یا در هنگام قرار داشتن جنین در رحم گسترش می‌یابد، این قبیل ویژگی‌های زیستی، ژنتیکی‌اند اما ارثی نیستند. با وجود این، ویژگی‌های دیگر ممکن است به واسطه محیط پیرامون شخص، همچون آسیب‌دیدگی یا تغذیه ناکافی حاصل گردد، این قبیل ویژگی‌های زیستی، نه ژنتیکی‌اند نه ارثی.^۲ بعد از مقدمه مذکور، باید بیان داشت که زیست‌شناسان جنایی سنتی برای اثبات وجود رابطه بین عوامل زیستی و رفتارهای مجرمانه تلاش‌های گوناگونی را انجام داده‌اند که با تمامی اختلاف‌ها، جریان غالبشان تمرکز بر روی مسائل وراثتی بود، به همین جهت بسیاری از جرم‌شناسان معاصر، اکثر پژوهش‌ها و تحقیق‌های دوره نخستین جرم‌شناسی را ذیل عنوان «مکتب وراثت» بحث می‌-

^۱ - مطالب این گفتار، با ایجاد اضافات، اصلاحات و تغییراتی (خصوصاً در آدرس‌دهی مطالب)، عیناً برگرفته از منبع ذیل است:

- محمدی جورکویه، علی و مصطفی پور، مسعود، (تابستان ۱۳۹۴)، رویکردی جرم‌شناختی - اسلامی بر قلمرو تأثیر عوامل زیستی بر رفتار مجرمانه، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷، صص ۱۲۷ الی ۱۵۱.

^۲ - Vold, George B, et al, (1998), Theoretical criminology, Fourth Edition, Oxford University Press Inc, New York, p. 68. For more details, see:

<http://www.webmd.com/brain/picture-of-the-brain> <http://www.islam-guide.com/ch1-1-d.htm>

http://www.utdallas.edu/news/2012/1/24-15201_Criminologists-ResearchShows-Genes-Influence-Crim_article-wide.html

کنند.^۱ البته شیوه اثبات و نحوه استدلال زیست‌شناسان جنایی سنتی، برای اثبات تأثیر وراثت بر جرم با یکدیگر متفاوت بوده که اجمالاً ذیل چهار قسم نظریه آتاویسم لمبروزو، بررسی‌های مرتبط با شجره‌نامه، تحقیق‌های «گلوک» و سرانجام بررسی‌های «دوقلوهای یک تخمکی» و «دوقلوهای دو تخمکی» را می‌گیرد، بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت قلمرو پژوهش‌های زیستی اولیه در جرم‌شناسی صرفاً «قلمرو وراثتی» بود. این در حالی است که زیست‌شناسان جنایی نوین برای اثبات «امکان اثرگذاری عوامل زیستی» به هیچ روی خود را در قید عوامل ارثی-ژنتیکی (همانند برخی بیماری‌های خاص) محبوس نکرده و در کنار آن، هم پژوهش‌هایی را در زمینه مسائل صرفاً ژنتیکی که فاقد رگه‌های وراثتی بوده (همچون اختلال‌های ژنتیکی ناشی از اشعه ایکس در زمان بارداری) و هم تحقیق‌هایی را پیرامون مسائلی که نه ژنتیکی و نه ارثی است (مثل آلودگی‌های محیطی همچون سموم جیوه، سرب و ...) انجام داده‌اند؛ بنابراین، برخلاف زیست‌شناسان جنایی سنتی، پژوهش‌های زیست‌شناسی جنایی نوین دارای قلمرو وسیع‌تری است. نتیجه اینکه هم زیست‌شناسی جنایی سنتی و هم زیست‌شناسی جنایی نوین بر «امکان اثرگذاری عوامل زیستی» مهر تأیید زده و تنها اختلاف آن‌ها در قلمرو پذیرش تأثیرگذاری آن‌هاست. به بیان دیگر، زیست‌شناسی جنایی سنتی، «امکان اثرگذاری عوامل زیستی» را تنها در ویژگی‌های زیستی ارثی-ژنتیکی بررسی و تأیید کرده است، حال آن که زیست‌شناسی جنایی نوین، «امکان اثرگذاری عوامل زیستی» را علاوه بر ویژگی‌های ارثی-ژنتیکی، هم در ویژگی‌هایی که صرفاً ژنتیکی بوده و هم در ویژگی‌هایی که نه ارثی و نه ژنتیکی‌اند، نیز تأیید کرده است.

بند دوم: میزان اثرگذاری عوامل زیستی

تأثیرگذاری عوامل زیستی را یا می‌توان با نگاهی بدبینانه در قالب «جبر جنایی» تفسیر کرد که در چنین رویکردی مجرم برای ارتکاب جرم اختیاری از خود نداشته و یا اینکه با نگاه معقولانه آن را نه در قلمرو جبرگرایی، بلکه صرفاً در حوزه «تمایل‌های مجرمانه» جای داد. به بیان دیگر، گاه می‌توان مجرم را دارای یک تیپ جنایی‌ای دانست که از وی عروسک خیمه

^۱- Siegel, Larry J., (2012), Criminology, Eleventh Edition, Wadsworth Cengage Learning, p.142





شب بازی ساخته و او را جبراً به دنیای بزهکاری می‌کشاند و یا اینکه می‌توان مجرم را انسانی متعارف دانست که تنها به علت برخی خصایص رفتاری، خواه وراثتی و خواه غیروراثتی دارای تمایل‌های منحرفانه بوده و آستانه بزهکاری وی نسبت به سایر افراد جامعه پایین‌تر است. «زیست‌شناسی جنایی»، غالباً در این زمینه دارای رویکردی منفی بوده و قائل به وجود عوامل وراثتی جبری در ارتکاب جرم بوده است که شاید بتوان طلایه‌دار چنین طرز تفکری را «لمبروزو» دانست. «سزار لمبروزو»، استاد پزشکی قانونی شهر تورین با الهام از عقاید بحث‌برانگیز «چارلز داروین»، ماهیت انسان را از دریچه «نظریه تکامل» به تصویر کشیده و معتقد بود: «بعضی از اشخاص در اثر انحطاط، رجوع به اصل کرده‌اند و منش اجداد وحشی و سفاک و جنایتکار در آنان ظهور کرده است. لمبروزو چنین می‌پنداشت که این دسته از جنایتکاران در مسیر تکامل انواع متوقف مانده‌اند و همان‌گونه که چارلز داروین بیان داشته است: جنایتکاران مادرزادی، نمایشگر قدیمی‌ترین انواعی هستند که در مسیر تکامل آنان انسان‌های بهنجار پدید آمدند».^۱ در همین راستا، استدلال اساسی لمبروزو نیز «شبهت موجود بین تبهکار و انسان وحشی» بوده^۲ که به نوعی تداعی‌گر نظریه آتاویسم وی می‌باشد. به همین علت، وی قائل به وجود مجرم مادرزاد بوده و معتقد بود اکثر مجرمان، مجرم‌زاده می‌شوند نه اینکه مجرم بشوند. در همین راستا می‌توان زیست‌شناسی جنایی سنتی را به عنوان زیست‌شناسی جنایی افراطی نیز قلمداد کرد چرا که با انکار اراده آزاد، قائل به «جبرگرایی زیستی» شده و به تبع آن مسئولیت اخلاقی و مجازات را دستاورد اشتباه مکاتب فلسفی سابق قلمداد می‌کرد. امری که زمینه را برای ترویج عقاید نژادپرستانه فراهم ساخته و باعث شد زیست‌شناسی جنایی سنتی در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ تا حدودی از چشم جرم‌شناسان آمریکایی بیفتد و دوران افول آن آغاز گردد.^۳ در واقع، به صدا در آمدن ناقوس مرگ «زیست‌شناسی جنایی سنتی» به خاطر وجود دو علت بود:

۱- کی‌نیا، سید مهدی، (۱۳۸۲)، مبانی جرم‌شناسی، جلد اول، چاپ ششم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۹۳.

۲- همان، ص ۱۰۱.

۳- همان.

نخستین عامل در ارتباط نزدیک توضیحات زیستی رفتار انسانی از جمله جرم با جنبش‌های نازی و فاشیستی است که به ارتباط ناگسستنی‌ای با ایدئولوژی نژادپرستی منجر گردید. دومین عامل نقش «ادوین ساترلند» در گسترش رویکرد جامعه‌شناسانه در جرم‌شناسی بود. هیچ مطالعه جرم‌شناختی نمی‌تواند منکر نقش قاطع و مسلم ادوین ساترلند در شکل‌دهی جرم‌شناسی گردد. در نتیجه این دو عامل به مدت نیم قرن توضیحات زیستی برای جرم از اعتبار افتاده و حتی تا حدودی منع گردید چرا که آن‌ها غیرعقلانی و غیرقابل ذکر بودند. علاوه بر دو عامل فوق، نمی‌توان ایراد روش‌شناختی موجود در زیست‌شناسی جنایی سنتی را نادیده گرفت برای نمونه ایراد روش‌شناختی لمبروزو را می‌توان در دو امر خلاصه کرد: نخست اینکه گروه آزمایش (مجرمان) و گروه کنترل (سربازان و شبه‌نظامیان) وی با توجه به عادلانه نبودن دستگاه عدالت کیفری وقت ایتالیا، چندان قابل اطمینان نبودند. چرا که چه بسا افرادی در گروه آزمایش، بی‌گناه به زندان افتاده و چه بسا افرادی از گروه کنترل، مجرم بوده ولی از چنگال عدالت گریخته باشند. دوم اینکه گروه کنترل - که در واقع به عنوان نماینده کل جامعه می‌باشد - متشکل از برخی از سربازان و شبه‌نظامیان بود که به نظر می‌رسد نماینده خوبی از جمعیت کل نبودند چرا که به اقتضای شغلشان ممکن بود دارای بدن‌های ورزیده‌تری نسبت به مردمان عادی باشند.^۱ به دیگر سخن، زمانی که هدف جرم‌شناسان نخستین، تفسیر زیست‌محور رفتارهای مجرمانه بود، وسایل دستیابی به چنین هدفی در اختیار آن‌ها نبوده و جرم‌شناسان اولیه با فقر امکانات به نظریه‌پردازی پرداختند و شاید همین علت بود که زمینه را برای نتیجه‌گیری اشتباه جبرپندارانه فراهم کرده و باعث افول نظریه‌های زیست‌شناسی جنایی سنتی شد. بی‌جهت نیست که «لئونارد گلیک» و «جی. میشل میلر» معتقدند: «جرم‌شناسان اولیه که فاقد دانش نوین درباره علم ژنتیک بودند، ویژگی‌های جسمانی مجرمان را برای ارائه نوعی تیپ جنایی مورد مطالعه قرار می‌دادند، آن‌ها معتقد بودند که بی‌تردید حقارت زیستی مجرم، ویژگی‌های جسمانی قابل مشاهده‌ای را ایجاد می‌کند که باعث تشخیص وی از غیر مجرمان

^۱ - بنگرید به: حمید، کامل و دیگران، منبع پیشین، ص ۱۵۴.





می‌شود». به بیان دیگر، بر طبق این چشم‌انداز توصیف مجرم و رفتار مجرمانه در حقارت زیستی ارثی‌ای است که در انواع ویژگی‌های جسمانی متجلی می‌گردد.^۱ به دیگر سخن، «طبق برداشت لمبروزو، تیپ جنایی دارای چندین صفت کالبدشناختی است که او را از ناکرده بزه متمایز می‌سازد و همین صفات می‌تواند منشأ اعمال جنایی باشد».^۲ ولی با تمامی این اوصاف به قول جرم‌شناس انگلیسی، «تیم نیوبرن»، اگرچه دلایل متعددی برای رد نظریه‌های لمبروزو وجود دارد، با این حال نبایستی در یک نتیجه‌گیری ساده هرگونه تأثیر زیستی را بر روی رفتارهای مجرمانه منکر شد. کار در این حوزه دیگر بر مبنای یک پژوهش ساده انگارانه برای فهم رابطه مستقیم بین ویژگی‌های جسمانی و رفتارهای انسانی استوار نیست، برای نمونه در ارتباط با تأثیر وراثت، متخصصان دیگر به دنبال کشف یک ژن منحصر به فرد که بتوان آن را ژن جنایی نامید، نیستند.^۳ در مقابل «زیست‌شناسی جنایی سنتی» که دارای رویکردی افراطی بود، «زیست‌شناسی جنایی نوین»، معقولانه و با اعتدال مسیر مطالعاتی خود را آغاز کرد. در واقع، بر خلاف چشم‌انداز سنتی، نظریه‌های نوین بر این اعتقاد نیستند که ویژگی‌های زیستی علت مستقیم جرم‌اند، بلکه آن‌ها استدلال می‌کنند که شرایط زیست‌شناختی معینی احتمال درگیری فرد را در الگوهای رفتاری نابهنجار (برای نمونه رفتار خشونت‌بار یا رفتار ضداجتماعی) افزایش می‌دهد. در واقع، نظریه‌های نوین جرم‌شناسی به جای اینکه صرفاً به اثرات خود زیست‌شناسی توجه کنند به طور فزاینده‌ای بر تعامل بین ویژگی‌های زیستی و محیط اجتماعی توجه می‌کند که این ویژگی نظریه‌ها را نظریه‌های زیستی - اجتماعی جرم نامیده‌اند.^۴ بنابراین، در دیدگاه زیستی - اجتماعی رفتار مجرم تحت تأثیر ترکیبی از شرایط جسمانی، محیطی و اجتماعی است تا این که صرفاً توسط شرایط زمان تولدش کنترل شود.

دستاوردهای بحث

^۱- Glick, Leonard, et al, (2008), Criminology, Second Edition, Pearson Education Inc, p.101.

^۲- گسن، ریموند، (۱۳۸۵)، جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد، ص ۱۵۸.

^۳- Newburn, Tim, (2007), Criminology, Willan Publishing, London, p.132.

^۴- Ibid, pp.68-69.

۱- زیست‌شناسی جنایی به عنوان اولین شاخه از شاخه‌های سه‌گانه جرم‌شناسی، بر خلاف جامعه‌شناسی جنایی به جای تأکید بر ساختارها و فرآیندهای اجتماعی، کانون توجه خود را بر روی انسان و ویژگی‌های انسانی معطوف کرده و تمام تلاش خود را برای فهم هر چه بهتر ریشه‌های رفتار انسانی وقف کرده است. در این بین، اکثر زیست‌شناسان جنایی سنتی به علت عدم وجود فن‌آوری نوین و به خاطر وجود ریشه‌هایی از عقاید زیستی نسنجیده پیشین با شیوه‌ای نه چندان علمی از رَحْم مادر به عنوان نخستین مکانی یاد می‌کنند که به خاطر وجود برخی عوامل وراثتی، از جنین مجرمی ناخواسته می‌سازد و با اتکاء به مفهوم «جبر‌گرایی جنایی» و با انکار «مسئولیت اخلاقی»، یکی از راهکارهای مؤثر مقابله با رفتارهای مجرمانه را در به‌سازی نسل (اوژنیسم) جستجو می‌کنند.

۲- جرم‌شناسان به جای محصور شدن در قلمرو عوامل وراثتی، به تأثیر عوامل زیست‌شیمیایی و فیزیولوژی عصب نیز اذعان کرده و با رد وجود «کروموزوم جنایت»، تمامی این موارد را تنها در تنزل آستانه بزهکاری مؤثر دانستند. البته به نظر می‌رسد میزان اثرگذاری عوامل زیستی در مجرمان حرفه‌ای نسبت به مجرمان اتفاقی به مراتب پررنگ‌تر بوده و اصولاً بایستی نقش عوامل زیستی در مجرم شدن این افراد بیش از سایر مجرمین باشد. به همین علت، به نظر می‌رسد بر خلاف زیست‌شناسی جنایی سنتی، دیدگاه زیست‌شناسی جنایی نوین به مراتب با آموزه‌های اسلامی هم‌سنگ‌تر است. آموزه‌هایی که ۱۴ قرن قبل، از تأثیر مواردی همچون عرق، برنامه‌های غذایی و عوامل فیزیولوژی عصب بر روی رفتارهای انسانی یاد کرده و مهر تأییدی بر آن‌ها زده است. به همین جهت، تعجب‌آور نیست که پیشرفت‌های سریع علوم ژنتیک، زیست‌شیمیایی و فیزیولوژی عصب به جای رد عقاید الهام گرفته از مکتب وحی، ناخواسته در قالب الفاظ غربی اما با محتوای نسبتاً سازگار، عقاید ریشه‌دار فقه امامیه را در رد جبر‌گرایی زیستی مورد پذیرش قرار داده و سر تسلیم در مقابل آن فرود آوردند.

۳- از مجموع نظریات در جرم‌شناسی زیستی چنین بر می‌آید که هر یک از عوامل یاد شده به تنهایی نه شرط لازم و نه شرط کافی برای بزهکاری است؛ وراثت، جسم و سن و غیره، فقط



می‌تواند علامت و زمینه‌ای برای وقوع جرم احتمالی در انسان باشد نه علت جرم؛ و این نظر مورد تأیید اسلام و برخی از دانشمندان امروزی است و نظریات در مورد مجرم بالفطره، تأثیر مستقیم سن و جنس و رابطه قیافه و جسم با بزهکاری مورد تأیید اسلام نیست. نظریات مختلف عوامل روانی جرم نیز نشان می‌دهد هسته مرکزی شخصیت جنایی می‌تواند عامل جرم باشد و زمینه تبهکاری را در فرد به وجود آورد، اما مسلم است که فرد با تقویت عوامل درونی مانند نفس لوامه می‌تواند در مقابل بروز جرائم بایستد. علاوه بر این، برای جلوگیری از بروز حالت خطرناک و تکرار جرم اقدامات تأمینی به عنوان عاملی بیرونی می‌تواند از بروز جرائم و تکرار آن ممانعت به عمل آورد و تمامی این معانی در اسلام مورد تأیید است حتی اسلام پا را فراتر گذاشته و به مسائلی اشاره می‌کند که دانشمندان امروزی پس از قرن‌ها به اندکی از این مسائل پی برده‌اند.

۴- دین اسلام قبل از آن که ریشه بزهکاری و جرائم در عوامل بیرونی نظیر اجتماع و اقتصاد بداند، بر تأثیر و نقش عوامل و ریشه‌های درونی و فردی تأکید دارد؛ زیرا در امور مختلف زندگانی بشر اعم از اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی، توصیه به اخلاق‌مداری و تقویت کنترل‌های درونی، تهذیب و تزکیه نفس و تعدیل رذایل اخلاقی و پرورش فضایل و مکارم اخلاقی کرده است و مولد فکر و اندیشه مجرمانه و سر سطر نقطه انحراف آدمی را هواپرستی و عدم تسلط بر نفس می‌داند. بر این اساس، این کتاب درباره ضرورت بازنگری در قوانین جزایی، بازنویسی مقررات مربوط به اقدامات تأمینی و تربیتی و فردی کردن هرچه بیشتر این اقدامات با استفاده از آخرین نظرات و تجربیات دانشمندان مربوطه و با الهام از روش‌هایی که قرآن و سنت ارائه می‌کند، تردیدی باقی نمی‌گذارد.



منابع و مآخذ

- قرآن کریم.

الف: منابع فارسی

۱- کتاب ها

- ابراهیمی، شهرام، (۱۳۹۱)، جرم‌شناسی پیشگیری، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- پرادل، ژان، (۱۳۷۳)، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- حمید، کامل؛ موسوی، سید محمود؛ داوردان، مریم و ستوده، آزاده، (۱۳۹۸)، نقش و جایگاه وراثت و ژنتیک (زیست شناسی جنایی) در ارتکاب جرم از منظر جرم شناسی نوین و آموزه های دینی، چاپ اول، اهواز، انتشارات علوم و فنون پزشکی.
- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۶۴ ش)، اصول فلسفه و رئالیسم، جلد ۳، چاپ اول، تهران، انتشارات صدرا.
- صانعی، پرویز، (۱۳۷۶)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
- کیت سوتیل، میرا و پیلو کلا، تیلور، (۱۳۸۳)، شناخت جرم‌شناسی، ترجمه میرروح الله صدیق، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.
- محمدی فرود، مرتضی، (۱۳۸۴)، روانشناسی جنایی، چاپ دوم، تهران، انتشارات راه تربیت.



- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۸)، کیفرشناسی نو - جرم‌شناسی نو: درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار، تازه‌های علوم جنایی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ولیدی، محمد صالح، (۱۳۸۱)، حقوق جزا: مسئولیت کیفری، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

۲- مقالات

- اسماعیلی، محمدعلی، (بهار ۱۳۹۱)، تبیین نظریه عاده الله در مکتب اشاعره، مجله کوثر معارف، شماره ۲۱، صص ۲۲۷ الی ۲۶۰. نمایه شده در پایگاه مجلات تخصصی نور (نورمگز) به آدرس (مستقیم) فضای مجازی ذیل:
- عالم زاده نوری، محمد، (۱۳۸۷)، راهنمای تربیت، مجله پگاه حوزه، شماره ۲۴۳، مندرج در پرتال جامع علوم انسانی، به آدرس فضای مجازی ذیل:

3- سایر منابع فارسی

- ابراهیم پور لیالستانی، حسین، (۱۳۸۵)، اهداف مجازات در دو رویکرد حقوق جزا و آموزه‌های دینی، مجله معرفت، شماره ۱۰۶، نمایه شده در پرتال جامع علوم انسانی، به آدرس فضای مجازی ذیل:

ب: منابع عربی (فقهی)

- تیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶ ه.ق)، غررالاحکم و دررالاحکم (سخنان حضرت علی علیه‌السلام)، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- حر عاملی، (۱۴۱۳ ه.ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد ۱۷، الطبعة الاولى، مؤسسه آل‌البت لآحیاء التراث.